

# نقش انقلابی طبقه کارگر در دوران گذار و سازندگی



تک شماره ۱۵ ریال

تبلیغات سوء دشمن بر بنیان نارضائی مردم پدید خواهد آمد و چه امکانات مساعدی در دسترس دشمنان حمله باز انقلاب مآقر خواهد گرفت. بهمین جهت کارگران آگاه، در چند ماهه پس از انقلاب بخشی قابل توجهی از مؤسسات صنعتی را مجدداً بحرکت درآورده اند و به اعتلاء اقتصاد کشور یاری رسانده اند.

بقیه در صفحه ۵

و انقلاب را به ثمر رسانده اند، در دوران پس از انقلاب نقش انقلابی طبقه کارگر، در کمک به پیش برد انقلاب، در حفظ انقلاب از گزند دشمنان رنگارنگ و در عقیم گذاردن نقشه ضد انقلاب است. کارگران پیشرو، خود به این مهم واقفند که اگر چرخهای اقتصاد کشور بهمت آنان دوباره به گردش در نیاید، در شرایط تطویل و توقف مؤسسات صنعتی و در شرایط کاهش تولیدات، چه فرصت مناسبی برای

رژیم دست نشانده آنرا فشرده، که ادامه بقارا از آن سلب کرد. نقش انقلابی طبقه کارگر در دوران پس از انقلاب که دوران گذار و سازندگی است، طبعاً باید متناسب با شرایط نوین و در خدمت اهداف انقلاب باشد. اگر در دوران قبل از انقلاب کارگران باکم کاری، با اعتصابهای موضعی و سپس با اعتصاب سراسری، بویژه در مراکز حساس اقتصاد کشور، بمثابه پیشاهنگ عمل نمودند

نقش طبقه کارگر در دوران انقلاب، نقشی قاطع و سرنوشت ساز بود. طبقه کارگر ایران باستن عالی مبارزات صنعتی و سیاسی نیم قرن سی خود، به آن درجه از آگاهی طبقاتی رسیده بود که توانست در لحظه معین تاریخی، با عمل قاطع انقلابی خود، ضربه نهائی را بردشمن وارد سازد و انقلاب را سریماً به پیروزی برساند. اعتصابهای سراسری، به ویژه اعتصاب کارگران نفت، چنان گوی امپریالیسم و

## نامه سرگشاده

کمیته مرکزی حزب توده ایران

به دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، به دادگاه انقلاب درباره

## رفقای شهید گمشده،

### سرگرد حسن رزمی و مهندس محمد حسین معصوم زاده



مهندس محمد حسین معصوم زاده

رفقای حزبی ما سرگرد حسن رزمی و مهندس محمد حسین معصوم زاده توسط مأموران جنایتکار ساواک شاه مخلوع، سر به نیست شده اند و متأسفانه تمام کوشش ما برای پیدا کردن ردپائی از آنان و چگونگی شهادتشان و عاملین قتل تاکنون بجائی نرسیده است. از دولت موقت و از دادگاه انقلاب می طلبیم که در این راه ما را یاری دهند.



سرگرد حسن رزمی

عباس شهبازی، مأمور ساواک، آشکار گردید اثری از این رفقا پیدا نشد. در همان زمان حزب ما تلاش فراوانی برای آگاهی از سرنوشت آنان بکار برد، ولی متأسفانه هیچ اثری از این رفقا پیدا نشد، اما تمام شواهد حاکی از این بود که رفقا رزمی و معصوم زاده را ساواک، همان شیوه ای که

در دوران رژیم شاه سابق رفقای مبارز، رزمی و معصوم زاده با دستور حزب، در شرایط بسیار دشوار و خطرناک، برای ادامه نبرد علیه رژیم سلطنتی ایران فروش و بار با بان امپریالیستش، از مهاجرت اجباری سیاسی بهمین بازگشتند. پس از دوسال کار در ایران، هنگامیکه خیانت

## بر ضد تروریسم باید اقدامات عاجل و مؤثر بعمل آید

تروریسم قره نی و آیت الله مطهری و سوء قصد به حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، زنک خطری است که هریار باطنین مخوف به صدا درمی آید و نشان میدهد که ضد انقلاب عموماً و امپریالیسم درنده و زخمی آمریکا و عمالش خصوصاً، هار شده است. در برابر این تروریسم ضد انقلابی نه فقط باید هشیار بود و دعوت به هشیار بودن کرد، ایمنی جان شخصیتها را تامین کرد، بلکه همچنین لازم است که برای قطع دست جنایتکاران و کشف سازمانهای آنها تدابیر عملی دقیق و سریع اتخاذ کرد.

هدف از تروریسم شخصیتها از جانب ضد انقلاب، نه فقط از میان برداشتن افراد برجسته، بلکه بیشتر بخاطر ایجاد رعب در میان صفوف نیروهای انقلابی، بخاطر ایجاد امید در میان نیروهای ضد انقلابی بخاطر ایجاد تفرقه و بجان هم انداختن نیروهای انقلابی، بخاطر استتار ناتوانی و یاس ضد انقلاب و بخاطر اینستکه توهم «قدرت» ضد انقلاب در اذهان بوجود آید تا محیطی مناسب برای تجری ضد انقلاب و تشکل صفوف گسسته آن فراهم گردد تا ناتوانی کنونی رفته رفته به توانائی بدل گردد و «جبهه ضد انقلاب» آرایش یابد. تبلیغاتی که پیرامون این ترورها صورت میگیرد، اگر از آگاهی انقلابی مایه نگرفته باشد و دشمن انقلاب را هدف نگیرد، زبانی که کمتر از آسیاب امپریالیسم و صهیونیسم و ضد انقلاب داخلی میریزد، کسار تبهکاران آدمکش را آسان میکند.

این اولین بار نیست، منحصر به کشورمان نیست که ضد انقلاب ترور شخصیتها را بعنوان وسیله پیشبرد کار خود بکار می بندد. امپریالیسم آمریکا، با سازمانهای گانگستریش: سیا، ساواک، موساد، و غیره، در این تبهکاری تخصص دارد.

امپریالیسم بانکی معتقد است که اگر از یکسو جو رعب و هراس ایجاد کند و از سوی دیگر دام تبلیغاتی زهر آگینی در ایجاد تفرقه بین نیروهای انقلابی بگسترده، زمینه و امکان برای حمله ضد انقلاب فراهم میشود. آنچه که گفته شد، مطالب تازه ای نیست. اینها واقعیاتی است معلوم، ولی این واقعیات حکم میکنند که با کاردانی و قاطعیت تام میبایستی بر ضد تروریسم اقدامات عاجل و مؤثر بعمل آید و همراهِ با این اقدامات میباید نیروهای انقلابی بسیج شوند و با اتحاد در جبهه متحد خلق برای سرکوب کامل ضد انقلاب قطع دست امپریالیسم، صهیونیسم و دستیاران و عمال داخلی آنها بمقابله برخیزند. دزد بازار آشفته میخواهد. ترور جنایتکارانه شخصیتها برای ایجاد آشفستگی است. آنرا متحدان و قاطعانه آشفته و سرکوب کنیم.

## عدالت حکم میکند

### که جانین و خائنان بلا قائل کیفر ببینید

اقرار لرزاننده چند تن از شکنجه گران ساواک در روزهای اخیر، گوشه ای از جنایات هولناکی است که این سازمان دوزخی، که رکن اساسی دوام رژیم نکبت بار شاه مخلوع بود، طی حیات شوم ۲۱ ساله خود، علیه مبارزان مرتکب شده است. این اعترافات بر آن جنایت موحشی بر تو افکند که از طرف یک رژیم جنایتکار بر یک خلق مبارز و نستوه رفته است. در نتیجه این اعترافات فاش شد که چگونه عمال زجر و عذاب ساواک برای شکار آزادیخواهان نقشه می چیدند، چگونه از طریق گروههای مراقبت و تمقیب و کنترل، مبارزان دانشمندی و آنها را دستگیر میکردند؛ چگونه از همان نخستین

بقیه در صفحه ۴

## انقلاب و زایش نظام نوین انقلابی

### بحثی درباره سه مرحله مهم انقلاب در کشورما (بر اندازی، گذار، و نو سازی) و وظایف ویژه هر مرحله

انقلاب ایران، مانند هر انقلاب دیگری، یک «رونده» (پروسه) کما بیش طولانی است، که طی آن باید وظایف سه گانه زیرین بتدریج، و در جریان نبرد، انجام پذیرد:

۱- از میان برداشتن آن سد اساسی که مانع تکامل جامعه بود. این سد اساسی، یعنی رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک محمد رضا پهلوی، در جریان مبارزات حماسی سال ۱۳۵۷ از میان برداشته شد. این وظیفه انجام گرفت. آن وحدت هدف و عمل و آن نبرد بی امان و بی گیر، که لازمه اجراء وظیفه دشوار این مرحله بود، خوشبختانه تحقق یافت و یک انقلاب تاریخی و دارای برد عظیم جهانی عملی گردید.

۲- مبارزه نیروهای مختلف انقلابی بر سر راه یافتن بهترین شیوه حل معضلاتی که سطره رژیم و رژیم گون شده، بوجود آورده بود. این مبارزه چندان ادامه می یابد تا آنکه، با براساس توافق همه نیروها (که بهترین شکل عملی است) و با ناگزیر براساس چیرگی اجتماعی یک یا چند نیرو، این راه و این مطلب روشن شود. لذا این دوره، دوره دلایه

۳- سرانجام دورانی فرامیرسد که انقلاب کما بیش تکلیف خود را میداند که بکدام نیروها تکیه کند و از چه راه برود، میدانند که خواستار استقرار چگونه نظامی است؛ روشن میشود که سیاست خارجی و داخلی، سیاست اقتصادی و فرهنگی، قشرها و طبقاتی که باید مورد تکیه قرار گیرند، قشرها و طبقاتی که باید از صحنه قدرت دور شوند، کدامند؛ این دوران دوران نو سازی اجتماعی است. خود این دوران نو سازی اجتماعی برای آنکه باقرص کند، کادرهای لازم خود را بیابد، شیوه های لازم عمل خود را درک کند، بر کارائی و ثمر بخشی عمل خود بیافزاید، بتواند اکثریت جامعه را بخود جلب کند و تثبیت نوینی را جانشین تثبیت ارتجاعی گذشته کند، بزمان احتیاج دارد. اگر این نو سازی بر پایه اجتماعی وسیع و تئوری سیاسی جا افتاده ای متکی

بقیه در صفحه ۵

## رویدادهای ایران

- \* در محاکمه علنی شکنجه گران ساواک پاسخ بسیاری از پرسشها داده میشود
- \* به ساواکیها میدان ندهید
- \* حقایق تکان دهنده از زبان آقای رجوی
- \* خطر آشوبگران در کردستان
- \* شعار «زنده باد شاه» تبدیل به شعار «مرگ بر کمونیست» شد
- \* حمله به کتابقروشیهای تهران تدارک میشود
- \* مشروح خبرها در صفحه ۲

# «مردم» و شما

هنوز بیش از چند شماره ای از «مردم» انتشار نیافته که مردمی که آن را متعلق به خود می دانند، به آدرس ما نامه های متعددی می فرستند، نظریات اصلاحی، انتقادی و پیشنهادهای خود را می نویسند پرسش هایی را مطرح می کنند و گاه مقالاتی و اشعاری ارسال می دارند.

«مردم» مال شماست و بدیهی است که پس از این نخستین شماره های دوره جدیدش، ستون های نویسنده متعلق به خوانندگان را باز کند، از این پس در ستون «مردم» و شما نوشته ها و نظریات شما منعکس می کنیم و در ستون «پرسشها و پاسخها» به سوالات شما به طور خلاصه پاسخ می دهیم.

درخواست ما اینست که، مقالات و نظریات خود را تا حد امکان کوتاه بنویسند.

نوشته ها بر روی یک طرف کاغذ باشند. اگر میل ندارید نام شما در روزنامه قید شود حتما در نامه متذکر شوید.

اخباری را که می فرستید، جدا از مطالب و نظریات بنویسید، زیرا در ستون های جدا گانه منعکس خواهد شد.

به هیئت تحریریه اجازه دهید که حق کوتاه کردن مطالب وارده و یا انتخاب اشعار واصله و غیره را داشته باشد.

علاوه بر ارسال نامه به وسیله پست اگر میل دارید می توانید مقیم نامه های خود را به دفتر روزنامه در تهران، خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ در صندوق ویژه کنار در ورودی بیاورید.

رفیق ارجمند مرتضی ن نامه دوم شما رسید. ۱ - انتقاد بمنظور بهبود کار روزنامه است و بنابر این ما از آن با آغوش باز حسن استقبال می کنیم، والیته اگر پیشنهادی هم ضمیمه باشد، که چه بهتر، ۲ - مسئله قانون اساسی را همانطور که مینویسید می توان از مهمترین مسائل در حال حاضر دانست. عین متن قوانین اساسی سایر کشورها را، بعلمت حجم روزنامه بدشواری می توان چاپ کرد (قانون اساسی اتحاد شوروی، که نام برده اید، جدا گانه بشکل جزوه ای چاپ شده و در دسترس همگان است) اصل پیشنهاد شما درست است و بآن توجه خواهیم کرد. ۳ - مسئله لزوم تظاهرات علیه آمریکا و دسایس آن، در فاصله رسیدن نامه شما بصورت تظاهرات عظیم هفته قبل، بویژه روزهای پنجشنبه و جمعه، انجام شد. در این زمینه مطالب مربوطه را در «مردم» خوانده اید. ۴ - (۱) تنها علامت تعجب نیست، بلکه علامت ندامت هست و در رسم الخط کنونی فارسی و سایر خطوط، همگی به همین معنا از آن استفاده میکنند. بهمین معنا مینویسیم، رفقا! هموطنان! رفیق مرتضی!

از یک نامه واصله به «مردم» با مضای الف ر. جملاتی را نقل می کنیم. دوست ما مینویسد: «اقتصاد سالم، افراد سالم بوجود می آورد و اجتماع شکوفا میشود. نوع بشر در توله نه دزد است نه جنایتکار نه زیاده طلب نه کینه توز نه حسود نه بخیل. ولی اقتصاد غلط، یعنی زندگی بلبشوی ناشی از آن، صفات مذموم را بوجود می آورد. باید جامعه منظمی درست کنیم...»

دوست ما بهزاد، در نامه خود، که مقاله ماندنی است، زیر عنوان «بخاطر زحمت کشان سراسر جهان اختلافات غیر اخلاقی را بدور اندازید» منجمله چنین مینویسد: «چنگ چین علیه ویتنام یکی بر سر همه مبارزان ضد استعمار و استعمار در سراسر جهان است.» نویسنده نامه با «ملتی که سی سال مبارزه اش علیه استعمارگران آمریکائی و فرانسوی تحسین همه جهانیان را بخود معطوف داشته است» ابراز همبستگی می کند

# رویدادهای ایران

## در محاکمه علنی شکنجه گران ساواک پاسخ بسیاری از پرسشها داده میشود

همزمان با اعتراضات تکان دهنده دو شکنجه گر معروف ساواک، یعنی تهرانی و آرش، که طی چند روز اخیر از طریق تلویزیون و مطبوعات با اطلاع مردم رسید، مراجعات تعداد زیادی از خانواده های زندانیان سیاسی مقفود شده، به سازمانها و مراجع رسیدگی به تظلمات بالا گرفته است.

واقعیت اینست که دهها و بلکه صدها زندان خلع، که طی سالهای گذشته وسیله شکارچیان ساواک شکار شده و به بیخوله های اوین و کمیته و قزل قلعه و عادل آباد، و... منتقل گردیده وزیر شدیدترین شکنجه ها قرار گرفته اند، جزو زندانیان سیاسی آزاد شده نیستند و هنوز کسی از سرنوشت واقعی آنها اطلاعی ندارد.

نحوه شهادت این زندانیان معلوم نیست، همچنان که محل به خاک سپاریشان مشخص نیست. گفته میشود که ساواک اجساد تعدادی از زندانیان سیاسی را، که زیر شکنجه شهید شده اند و یا به جوخه اعدام و تیرباران سپرده شده اند، در دره های کوه های دماوند و یا کورن قم انداخته است، که صحت و سقم این شایعات نیز هنوز از سوی هیچ مقام مسئولی تأیید و یا تکذیب نشده است. با اعتراضات تهرانی، مبنی بر خودکشی های اجباری و شهادت زندانیان زیر شکنجه و یا صحنه سازیهای ساواک برای به شهادت رساندن زندانیان، نظیر برنامه ضد انسانی و وحشیانه ای که برای گروه ۹ نفری جزئی - ظریفی پیاده شده است، خانواده های زندانیان سیاسی تلاش وسیعی را آغاز کرده اند تا بدانند بر سر فرزندان مقفود شده شان چه آمده است. متأسفانه در جریان مصاحبه سرودست شکسته ای که با تهرانی شکنجه گران انجام شد و وسیله تلویزیون پخش گردید، دهها و بلکه صدها سؤال در این زمینه مسکوت ماند و نه تنها پاسخی بدان داده نشد، بلکه اصلاً از سوی سؤال کننده به عمد و یا از روی بی اطلاعی طرح نگردید. در حالی که هزاران خانواده، که در سالهای اخیر زندانی و شهید داده اند، بی صبرانه منتظر بودند از زبان این شکنجه گر با سابقه و معروف، که به گفته خودش، در تمام عملیات ضد انسانی ساواک از بعد از واقعه سیاهکل شرکت داشته و قبل از آن نیز شکر الله پاک نژاد از او و اعمال ضد بشری اش در دفاعیات خود نام برده است، بسیاری از حقایق آشکار شود. از جنایات این شکارچی مبارزان، زندانیان سیاسی قدیمی ایران، از جمله صفرخان، قدیمی ترین زندانی سیاسی ایران، و افسران توده ای، که اخیراً از زندان، پس از ۲۵ سال آزاد شده اند دهها خاطره تلخ و هولناک بیاد دارند و حتی شاهد بسیاری از جنایات وی و دیگر همدستانش قبل از سالهای ۴۵-۵۰ بوده اند. این وظیفه تاریخی و انسانی به گردن تمام گردانندگان دادگاههای انقلاب و گردانندگان وسائل ارتباط جمعی و از جمله رادیو و تلویزیون است که بیشترین کوشش را در شناساندن این خائنین و دیگر همپالکی هایشان به مردم ایران بکار ببرند و در زمینه کشف حقایق و طرح سؤال، از زندمندانگانی که سر بلند از شکنجه گاههای ساواک شاه بیرون آمده اند، استفاده کنند.

این حسن نیت و تلاش میتواند حداقل پاسخی باشد به صدها پدر و مادر فرزند از دست داده، که بی صبرانه می خواهند بدانند بر سر فرزند دلبندشان چه آمده است و اکنون جسدشان کجاست و بدست چه کسانی به شهادت رسیده اند. ما نیز همچون دیگر داغ دیده گان و شهید دادگان سالهای اخیر، مصرا خواهان محاکمه علنی در خیمانی نظیر آرش و تهرانی و وحشی و عضدی و منوچهری و... با شرکت شهرد و خانواده شهدا و نمایندگان تمام سازمانهای سیاسی که شهید داده اند و می خواهند بدانند بر سر اعضای مقفود شده شان چه آمده، هستیم.

## به ساواکی ها میدان ندهید

در روزهای اخیر، همزمان با سوء عقید ناجوانمردانه نسبت به حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، بر تعداد حملات شیانه به پاسداران اضافه شده است و بر اساس گزارشاتی که درجراید بیجا رسیده، ضد انقلابیون با اتومبیلهای رنگارنگ، شهباه در خیابان های مختلف، پاسداران را با شناسائی قبلی و یا بطور اتفاقی به گلوله می بندند. در این عملیات، بنظر ما، بازماندگان ساواک، که متأسفانه اخباری در جهت رحیم و شفقت نسبت به آنها درجراید چاپ میشود و در چند مورد حتی با وثیقه آزاد شده اند، دست دارند و یا بنظر ما، دست برخی از یاران و نزدیکان تعدادی از اعدام شدگان دادگاه انقلاب در کار است. دستگیری و شناسائی و کنترل هر چه وسیعتر ماموران ساواک، ادامه بی وقفه کار رسیدگی به پرونده متهمان ساواک و نیروهای مسلح در زمان شاه مخلوع در دادگاههای انقلاب و وزیر نظر گرفتن خانواده و نزدیکان برخی از اعدام شدگان اخیر، بی شک در کنترل شهرها و محدود کردن عملیات ضد انقلابیون مؤثر خواهد بود. در غیر اینصورت است که شکار پاسداران و ترور زندمندان و انقلابیون در خانه و خیابان ادامه خواهد یافت و دست ضد انقلابیون واقعی هر روز با زور از روز گذشته خواهد شد.

## حقایق تکانه دهنده از زبان آقای مسعود رجوی

در حاشیه تلاشهایی که از سوی محافل مشخصی میشود، تا امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربات بی امان رهبری انقلاب و خلق بپا خاسته ایران بیرون بیاورند و با ایجاد فضای مسموم ناشی از تبلیغات ضد انقلابی راست و «چپ»، زمینه را برای محکم نمودن زیر پای امپریالیسم آمریکا و اعمال سرسپرده و باقی مانده اش فراهم کنند، در گرد همائی با شکوهی که بدعوت سازمان مجاهدین خلق، بمناسبت شهادت پنج زندمندان بنام این سازمان و همچنین بمناسبت قطعنامه

و از «پاره کردن اصول اخلاقی و انسانی و منافع کلی زحمت کشان» نگرانی خود را بیان میدارد و مینویسد که «این آرزوی امپریالیستهاست». دوست عزیز، منتظر نامه های دیگر شما هستیم.

آقای استعمار شونده ۱ نامه دیگر دیگر شما در باره تشیبات جنایت کارانه امپریالیسم آمریکا و ایبائی که سروده بودید، رسید، همه مردم ایران در این روزها - اگر چه در صفوف جدا گانه - توانستند مخالفت صریح خود را با نقشه های امپریالیسم آمریکا و اعمال و کارگزاران آن اعلام نمایند و نشان دهند که واقماً هم بهمان شمار اصیل و انقلابی خود وفا دارند که، بعد از شاه نوبت آمریکاست.

نامه شما، دوست عزیز، عجلیلی رسید. اگر گذارتان به تهران افتاد، سری به دفتر «مردم» در خیابان ۱۶ آذر نزدیک دانشگاه تهران بزنید. ما هنوز سرویس اشتراک روزنامه نداریم. باید از روزنامه فروشان شهر و محله خود بخوانید «مردم» را از مرکز توزیع بگیری و در معرض فروش بگذارند. در ضمن

مداخله گرافه سنای آمریکا تشکیل شده بود، آقای مسعود رجوی، یکی از رهبران این سازمان، طی سخنانی از تلاشهایی پرده برداشت که آمریکا يك لحظه از آن غافل نیست و هدف از آن دست ندادن ایران و ویران کردن دستاوردهای انقلابی مردم ایران است. ما تنها برای جلب توجه هر چه بیشتر همه مبارزان و تمام خلق ایران به دسائسی که بی وقفه در جریان است و همچنین برای هشدار به آندسته ها گروههایی که سعی دارند جنگ صلیبی در ایران برآه اندازند و جبهه نبرد را که جبهه ضد امپریالیستی است، عوض کنند، نکاتی از افشاگری بیجا و به حق آقای مسعود رجوی را در اینجا نقل می کنیم.

آمریکا يك ارتش صد هزار نفری برای مناطقی که حالت انفجاری دارند، اختصاص داده است، مثل خلیج فارس، عراق، ایران، شمال عمان و دریای عرب؛

کودتای ضد خلقی ۲۸ مرداد حداقل دو سال قبل از وقوع تدارک دیده شده بود و اکنون کرهیت روزولت، طراح این کودتا و عضو سازمان سیا، دوباره بکار فراخوانده شده است و ملاقاتهایی با دوست صمیمی اش ترنر، رئیس فعلی سازمان سیا انجام داده است.

اکنون تحت رهبری فردی بنام «دیوید دامون»، یک گروه ویژه چهل پنجاه نفری از کارشناسان درجه اول سیا و پنتاگون و خزانه داری، در کاخ سفید برای مطالعه روی ایران تشکیل شده است. این عملیات را آقای نیو سام سازمان داده است که فارغ التحصیل کالج دفاع ملی و متخصص سرکوب جنبش ها و انجام کودتاهاست.

گزارشهای سری سیا، سازمان جاسوسی آمریکا، نشان میدهد که برنامه ریزی مشخصی در دست است که رهبران سازمانهای انقلابی در ایران را ترور کنند. این برنامه از سه ماه دیگر شروع به اجراء خواهد شد. یعنی پس از کسب اطلاعات و شناسائی های لازم، و تازه اینها شمه ای از حملات مستقیم است. کاش دشمن همیشه اینطور حمله میکرد. کاش فقط از روبرو حمله میکرد، ولی هیئات که روشهای غیر مستقیم بسیار خطرناک تر است.

## خطر آشوبگران در کردستان

تاکنون در کردستان کمتر کسی از عوامل رژیم پیشین مجازات شده است. برعکس، میدان وسیعی برای فعالیت آنها فراهم آمده است. در مناطق سوماری - دوست، گورک، دیواندره، قربلاغ و ناله شکه، عموم مالکین مسلح هستند و به شیوه های مختلف کشاورزان را تحت فشار قرار می دهند و دست به تشکیل اتحادیه های عشایری می زنند. بملایه قیاده موقت (بقایای دارو دسته مصطفی بارزانی) بنهال سرنگونی رژیم پوشالی پهلوی نه تنها موقعیت خود را در مناطق مرزی از دست نداده است، بلکه در لوی دفاع از اسلام و با نام دولت، به اذیت و آزار مبارزان می پردازد، در منطقه مریوان، دزلی و اورامانات، دهقانان را مجازات می کند، اسلحه مردم را بنفع خود ضبط می نماید، معلمان را دستگیر و تهدید بمرگ می کند، بطوریکه معلمان از مراجعه به دهات برای تدریس خودداری می کنند. افسراد مسلح این گروه در راه اورامانات دست به کشتار زنان بیگناه می زنند و با همراهی مالکان و فئودالهای سابق، منطقه وسیعی از مریوان را تحت نظر گرفته اند. آنها در شهر مریوان بخانه مبارزان و حتی اعضای کمیته انقلاب اسلامی بمب می اندازند و ایجاد وحشت میکنند. این گروهها بصورت پایگاهی برای پناه دادن عوامل ارتجاعی رژیم سابق در آمده است. برادران لاجاف و پالیزیان، مزدور شاه سابق، و عده ای از ساواکیها از امکانات این نیروهای ارتجاعی برای توطئه علیه انقلاب استفاده می برند. دولت در مقابل اعتراض احزاب و جمعیت های ملی در این منطقه، سکوت اختیار کرده و این باعث دامن زدن به بدگمانی توده مردم شده است، در حالیکه وظیفه دولت است که هر چه قاطع تر علیه آشوبگران و بازپچه های دست ضد انقلاب عمل نماید.

## شعار «زنده باد شاه» تبدیل به شعار «مرگ بر کمونیست» شد

بسیاری از کسانی که در جریان تظاهرات گروه های مختلف علیه دخالت آمریکا در امور داخلی ایران شرکت داشته اند، شاهد چند کامیون روباز بوده اند که فریاد کنندگان «زنده باد شاه» را حمل می کرده است و مقدس قلب تظاهرات و حوالی سفارت آمریکا بوده است. این واقعه را نه تنها عده ای از تظاهر کنندگان هواداران حزب توده ایران شاهد بوده اند، بلکه از سوی برخی خبرنگاری ها نیز مخابره شده است. این خبر وقتی عجیب تر و قابل توجه تر است که بدانید همین فریاد کنندگان «زنده باد شاه» بعد از رسیدن به قلب تظاهرات، با شعار «مرگ بر کمونیست» به طرف تظاهر کنندگان حمله کرده و دست به چاقو و چماق برده اند، که نتیجه اش تعدادی مجروح و مسدوم بوده است.

تعداد این افراد آنقدر کم بوده است که بزودی در امواج خروشان مردم خشمگین حل شده اند و صدها نظاره گر تظاهرات نیز، که ظاهراً ناغز محل تظاهرات حزب جمهوری اسلامی و دیگر سازمانها بوده اند، نیز در بی شناسائی و دستگیری آنها برآمده و خود را از پیاده رو به خیابان رسانده اند و اعلام داشته اند که اینها ساواکی اند، مسلمان نیستند. مسلمان به کسی حمله نمی کند، کسی را چاقو نمی زند. اینها ضد انقلابید.

این خبر برای آنهایی باید قابل توجه باشد که با ایجاد فضای ضد کمونیستی، با تمام صداقتی که ممکنست داشته باشند، دارند سرود یاد مستان می دهند و شمشر را در کف زندگی مست می گذارند. می بینید که ضد انقلاب واقعی، ابتدا با استفاده از فضای مناسب بالباس ضدیت با مارکسیسم و مبارزه با کمونیستها به میدان می آید همچنان که بارها در ایران و دیگر کشورها آمده است، و بعد که کار سرکوب این نیروها تمام شد، به دیگر نیروها نیز رحم نمی کند و همه را بایک چوب می راند، تا زمینه را برای تسلط ارتجاع و استعمار آماده کند.

بقیه در صفحه ۲

از فرصت استفاده کرده بهمه دوستان «مردم» توصیه می کنیم، از کیوسک ها و روزنامه فروشان در هر شهر و محله و خیابانی بخوانند «مردم» را تا تک فروشی کنند

نامه م. ه. ه. در باره تعیین تکلیف بانکها رسید. در نامه پیرامون جلسه جمعیت بدهکاران وام مسکن و این که جمع بهره و کارمزد وام مسکن بیش از ۱۷٪ است. مطالبی نوشته شده و ثابت می شود که وام گیرندگان در معرض استثمار شدید قرار دارند و خواسته شده

# اخبار کارگری

## تحصن نمایندگان کارگران ارمنستان

در حدود یکصد تن از کارگران و کارمندان ارمنستان که برای مسجل شدن در لیست کارگران ارمنستان از سوی وزارت معادن و صنایع معدنی در آنجا اعلام کردند که نماینده ۱۲۰۰ کارگر و کارمند معترض و بیگانه شده اند. تحصن کنندگان گفته اند از ۴ ماه پیش با تکیه بر حقوق به حال خود رها شده ایم. نه دیناری حقوق دریافت داشته ایم و نه به تقاضای مکررمان در مورد روشن کردن تکلیفمان توجهی شده است. پس از مراجعه به وزیر کشاورزی با قول دادند که هیأتی برای بررسی و چاره جوئی تشکیلند. به محل اعزام خواهد شد، اما این قول را هم پشت گوش انداختند. ما از نظر معیشتی و اداره مایحتاج روزانه خانواده خود در موقعیت بسیار دشواری هستیم و چاره ای نداریم که آنقدر به تحصن و اعتراض خود ادامه دهیم تا به خواستهایمان توجه شود.

## قطعنامه کارگران زن کارخانه آذر الکتریک

گروهی از کارگران زن کارخانه آذر الکتریک طی قطعنامه ای به رفتار ضد کارگری در این کارخانه بشدت اعتراض کردند. در این قطعنامه آمده است: در کارخانه ما ۲۳ کارگر کار می کنند که ۱۶ نفر زن هستند و دستمزد روزانه شان ۲۰ تومان است. قبل از عید کار فرما به این بهانه که تولید کارخانه بفروش نرسید، تا کید کرد که نمیتوانیم دستمزدتان را اضافه کنیم و اکنون که همه قسمتهای کارخانه دو باره دایر شده است، از تاریخ ۱۵ فروردین ماه گذشته، با این دستاویز که کارخانه مواد اولیه ندارد و ورشکست شده است، مسئولان میگویند تا دو ماه دیگر که کارخانه باز میشود، باید صبر کنیم.

کارگران زن پس خواستهای خود را به این شرح اعلام کرده اند: پایان دادن به بیکاری - افزایش دستمزد متناسب با افزایش هزینه زندگی

- بیمه کردن تمام کارگران - دادن حق مسکن به کلیه کارگران - پرداخت سود ویژه به کارگران - پرداخت کلیه پولهای که قرار بود بعد از اتمام کارآموزی به کارگران داده شود.

- دادن ناهار رایگان به کارگران - رسمی شدن کلیه کارگران - دادن مرخصی به کارگران، بدون کسر مزد کارگران مطابق قانون کار - بدنبال انتشار قطعنامه کارگران زن آذر الکتریک کمیته زنان ماشین سازی تبریز با انتشار یک بیانیه، از خواستهای همکاران خود در کارخانه آذر الکتریک پشتیبانی کرد. زنان کارگر از برادران کارگر خود خواستند تا از مطالبات برحق کارگران معترض حمایت کنند.

## اجتماع رانندگان و کمک رانندگان در خانه کارگر

رانندگان و کمک رانندگان ماشین های سنگین، چهارشنبه گذشته، در اجتماعي خواستار نظارت بر امور حمل و نقل محمولات و اردات و صادراتی کشور شدند. در این اجتماع، که در محل خانه کارگر برگزار شد، اعضای سندیکای رانندگان و کمک رانندگان ماشینهای سنگین، طی قطعنامه ای بیه خویش را در برابر حوادث و بیماریها تقاضا کردند. در این قطعنامه خواسته شده است که کامیون ها و تریلی های چپاولگران رژیم آریامهری، در مقابل اقساط عادلانه و بدون پیش قسط در اختیار رانندگان گذاشته شود.

# اخبار دهقانی

## خواستهای حقه دهقانان لشت نشاء

نامه ای از دهقانان لشت نشاء و سایر قراء تابعه شهرستان رشت برای آقای مهندس بازرگان فرستاده شده است. در زیر متن تقاضاهای این زحمتکشان وهم چنین کلیشه صدها امضاء و اثر انگشت (بعلمت نداشتن سواد)، همراه آنرا که برای روزنامه «مردم» ارسال شده چاپ میکنیم:

«جناب آقای بازرگان نخست وزیر ایران محترم! اینجانبان امضاء کنندگان زیر دهقانان بخشی لشت نشاء و قره زیا کنار - نوده - چونچنان از توابع شهرستان رشت خواستهای خود را بشرح زیر اعلام میداریم:

- ۱- تقاضا داریم به علت وضع بد مادی دهقانان همه بدهیها به بانکها و رباخواران لغو شود.
- ۲- تقاضا داریم بندر و کود و ماشینهای کشاورزی و داروری علف کش با قیمت نازل در اختیار کشاورزان قرار گیرد.
- ۳- خواهان تثبیت قیمت فرآورده های کشاورزی هستیم.
- ۴- خواهان افزایش مبلغ وام کشاورزی به دهقانان و لغو بهره آن میباشیم.
- ۵- خواهان کمک و توجه دولت جهت تأمین برق وآب و بهداشت واحداث درمانگاه و مدرسه وجاده هستیم.



۶- تقاضا داریم در تقسیم اراضی به نفع کشاورزان تجدید نظر بعمل آید. «مردم» - الغای کلیه بدهیها در این وادیای مشکلات عدیده، یک خواست کاملاً برحق کلیه دهقانان زحمتکش است. اگر واقعاً خواستار احیای کشاورزی و تشویق دهقانان به کشت هستیم باید این مانع بزرگ را حتماً از پیش پای آنان بر داریم.

تثبیت قیمت فرآورده های کشاورزی، دادن بندر و کود و سایر تسهیلات تولیدی و رفاهی نیز از مسائلی مهم دهقانیست، که روستائیان لشت نشاء ما را به اصل موضوع میرساند که همانا انجام یک اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی بود دهقانان زحمتکش و دادن اراضی زراعی به خود زارعین و کوتاه کردن دست غارتگران و زمینداران بزرگ است. خواستهای حقه دهقانان لشت نشاء باید برآورده شود. اتحاد و حق طلبی آنها ضامن پیروزیشان است.

## بقیه از صفحه ۴

## گفتگویی با چریکهای فدائی ...

جمله رهبران حزب توده ایران، بانگستین صدای تیر حضرت در ۲۸ مرداد، از کشور فرار نکردند. مهاجرت عده ای از رهبران حزب، بطور عمده پیش از ۲۸ مرداد، و بنابر مصلحت های سیاسی انجام گرفت و نه از ترس. پس از ۲۸ مرداد فقط ۵ نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب به مهاجرت سیاسی پیوستند، آنهم نه فردای ۲۸ مرداد، بلکه ۳ سال پس از آن و ۸ سال پس از مبارزه دشوار در شرایط پنهانی و زندان و چندین بار فرار از دست دشمن. پس از ۲۸ مرداد، حزب ما عده ای از افسران سازمان نظامی و عده ای از کادرهای حزبی را، که موافق قوانین آن روزهای حزب بسیار سنگینی داشتند و نگاهداری آنان در داخل کشور برای سازمانهای حزب دشوار بود، از کشور خارج کرد. آیا میتوان انقلابی بود و از بازگشت اینان به میهن ابراز ناراحتی کرد؟

متأسفانه، برخلاف آنچه بشما گفته اند و شما بدون مطالعه و پرس و جو پذیرفته اید، هنوز اکثریت مهاجرین سیاسی توده ای به ایران بازنگشته اند. دولت موقت آقای بازرگان به هزاران مبارز توده ای (و بقول شما پیروپاتالهای مهاجر) گذرنامه نمیدهد (کسی چه میداند؟ شاید دولت موقت مراقب آنست که مبادا اینان بیایند، «تسلیم طلبی» کنند و به امر طبقه کارگريان برسانند!)

بهر صورت، از انبوه مبارزان توده ای، که هم اکنون در سراسر کشور، شبانه روز به بازسازی سازمانهای حزب و گسترش جنبش انقلابی مشغولند فقط حدود دهنفر از آنها پناهنده سیاسی بوده اند که از خارج کشور برگشته اند. بقیه آنان توده ای های با سابقه ای هستند، که به اندازه عمر بسیاری از شماها، در زندان و تبعید مانده اند و یاجوانان مبارز توده ای هستند، که در شرایط ترور و خوفان - زمانیکه عده ای چشم بسته دنبال مارکوزه و ماژود بره میرفتند - از مارکسیسم - لنینیسم دفاع کردند.

دوستان عزیز! جنبش کارگری ایران را از دشمنانش نیاورید! این تاریخ، تاریخ خود شماست (اگر واقعاً در جستجوی مارکسیسم، لنینیسم باشید). قبل از شما، در جامعه ایران خلاء نبود، مبارزه بود، نبرد بود، کار عظیم انقلابی و سازندگی بود. امروز هم پیرامون شما خلاء نیست.

۱- اعلامیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۲۱-۲-۱۳۵۸، تحت عنوان «گرامی باد خاطره رفیق شهید خسرو روزبه»  
۲- همان اعلامیه

## بقیه از صفحه ۱

## نامه سرگشاده ...

حزب توده ایران میگذرد، حزب ما برای پیدا کردن پاسخ به این پرسشها تلاش فراوانی بکار برده، ولی متأسفانه این پرسشها همچنان بدون پاسخ مانده است. از اینجاست که، از دولت موقت و دادگاه انقلاب، که مسئولیت و امکانات بیشتری در این زمینه دارند، برای پاسخ دادن به این پرسشها یاری می طلبیم.

آنچه مسلم است اینست که رفقا سرگرد حسن رزمی و مهندس محمد حسین معصوم زاده، آنچنانکه شایسته يك توده ای است، تا پای جان به آرمانهای والای میهن پرستانه و آزادیخواهان حزب خویش وفادار مانده اند. حزب ما این رفقا را در فهرست بس طولانی و افتخار آفرین شهیدان قهرمان خود، که شهیدان همه خلق در نبرد ضد امپریالیستی و ضد استبداد سلطنتی هستند، جای داده است. همه توده ایها بخود میبالند که در دامان حزبشان، فرزندان چینی قهرمان و از خود گذشته پرورش یافته اند، که بهیچ بهائی داغ ننگ همکاری با رژیم شاه مخلوع و تسلیم را نپذیرفته و با ایثار جان خود، استقامت و امیدواری توده ایها را بار دیگر ثابت کرده اند. خاطره تابناک رفقا رزمی و معصوم زاده جاودان باد!

این را هم باید دانست که هر شهیدی، صرف نظر از عقاید خود، شهید همه خلق است. هر مبارز چینیازی مایه افتخار همه انقلابیون راستین است. لذا ما از دولت موقت جمهوری اسلامی ایران و از دادگاه انقلاب و مقاماتی که مأمور ردیابی و کشف جنایات ساواک شاه مخلوع هستند، می طلبیم که به حزب ما در مورد کشف جزئیات این جنایت و مجازات شکنجه گران، قاتلان و سر به نیست کنندگان، یاری دهند.

## عمال ساواک و شکنجه گران و دژخیمان شاهخان را در همه سطوح افشاء کنیم!

ضد انقلاب را در همه ابعاد آن سرکوب کنیم!  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۱۳۵۸/۳/۷

## بقیه از صفحه ۴

## عدالت حکم میکند

این هشت عزار عضو ساواک همگی باید معدوم شوند. ولی مدعی آن هستیم که عناصری چنین خطرناک و خائن، که خود را در خدمت سازمانهای جاسوسی بیگانه قرار داده و مستحق چنین فجیع برهمنظران خود را داشته اند، باید بلا تأمل سرکوب شوند. عدالت آن نیست که این خائنین بی کیفر بمانند، عدالت آنست که حتماً کیفر به بینند.

شک نیست که میزان مجازات بر حسب درجه جرم است و تعیین آن در صلاحیت دادگاههای انقلاب است. اما نمیتوان تحت این عنوان، که فقط مأموران شکنجه و کشتار مجرم اند سایر مجرمان را مشمول عفو عمومی دانست. اینان عوامل مؤثر دستگاه جبار و جنایتکاری بوده اند که خلق ما را مرده میخواست، که آتش شعله ناک مبارزه مردم ما را خاموش میخواست، و در این راه از هیچ جنایت و خیانتی دریغ نکرد. باید با اقدامات قاطع انقلابی همه این بیج و مهره ها را از کار انداخت تا دستگاه اصلی نتواند دوباره بگردش در آید.

## قابل توجه رفقای کارگر

از رفقای کارگر عضو سابق حزب، که به آرمان خود وفادار مانده اند، ولی بعلم گوناگون تماس حزبی ندارند و همچنین رفقای کارگر تازه وارد خواهشمند است برای رسیدگی بوضع حزبی شان همه روزه (بغیر از روزهای پنجشنبه و جمعه) از ساعت ۵ تا ۷ بعد از ظهر به دفتر «مردم»، شعبه امور کارگری، مراجعه کنند.

# گفتگویی با چریکهای فدائی خلق ایران درباره مسایل انقلاب ایران

لحظه حاضر بسیار بفریح و وظایف نیروهای انقلابی در آن بینهایت دشوار است. این وضع، تماس دائم، صحبت بی پرده و تبادل نظر صادقانه میان همه گردانهای انقلابی ایران را ضرور میسازد. و در آنچه که مربوط به رابطه حزب ما و چریکهای فدائی خلق است، این ضرورت به مراتب بیشتر میشود. چرا که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خود را هوادار مارکسیسم-لنینیسم میدانند و بخش بزرگی از اعضا و هواداران آن در واقع در ادعای خود صادقند. بنابراین تبادل نظر میان حزب ما و چریکهای فدائی خلق باید امری طبیعی و عادی باشد. ولی متأسفانه - نه به گناه ما - این تبادل نظر طبیعی و ضروری، در ملاقاتهای دوستانه و چشم در چشم، تاکنون در سطح بالا دست نداده است. زیرا دوستان ما از رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق از تماس با حزب توده ایران میگریزند، در عین حال که با بسیاری سازمانها و محافل بورژوازی تماس نزدیک دارند، در مورد ما ترجیح میدهند که حرف خود را در غیبت ما و یک جانبه بگویند و بنویسند، و حرف ما را نشنوند.

متأسفانه این گفتگوی بی شهود اخیراً لحن بسیار تنیدی بخود گرفته و برخی عناصر، که خود را به چریکهای فدائی خلق می بندند، جنگی از زشت ترین دشمنان ما و اتهامات را نثار حزب توده ایران کرده اند. ما هنوز نمیدانیم که دوستان چریک ما تا چه حد مسئولیت اینگونه نوشته های زشت و بی مسئولیت را بعهده میگیرند. ولی اصل مسئله این نیست. اصل مسئله اینست که این طرز برخورد به اساسی ترین و پر مسئولیت ترین مسائل جنبش انقلابی ایران، در چنین لحظه حساس و سرنوشت ساز، خطرناک است.

اگر ما امروز مجبور شده ایم قلم بدست بگیریم و با مبارزین فدائی سخن بگوئیم، علت آن احساس مسئولیت در برابر جنبش انقلابی ایران است. ما معتقدیم که کم تاکنون در عرصه میهن ما، یکی از بفریح ترین و دشوارترین نبردهای انقلابی در جریان است. امپریالیسم زخم خورده، با تمام دستگاه شیطانی و جهنمی خود، توطئه میچیند و در صفوف انقلاب به نفاق افکنی و ایجاد عدم ثبات مشغول است. در این شرایط نیروهای انقلابی ایران حق ندارند اشتباه کنند. آنها موظفند دقیق ترین نقشه ها را تنظیم نمایند و قوای خود را به بهترین طرز در برابر دشمن آرایش دهند. و این کار ممکن نیست، مگر با ایجاد شرایط مساعد و محیط دوستانه برای تبادل نظر سریع و مسئول میان گردانهای مختلف جنبش. با جنجال و هیاهو و دشمنان. و اتهام کاری از پیش نمیرود. لاف بل به این دلیل که نه جنجال و نه دشمنان و نه اتهام، سیاست نیست، در حالیکه ما برای پیروزی بردشمن، یعنی امپریالیسم، به عالیترین و دقیقترین سیاستها نیاز داریم.

روشنی اخیر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و گروههای غیر مسئولی که خود را به این سازمان میچسبانند، بعدی غیر منتظره و غیر معمول است که بیشتر به **حادثه سازی عمدی** شباهت دارد.

آیا واقعا ۲۱ اردی بهشت - سالگرد شهادت خسرو روزبه - مناسب ترین روز تاختن به حزب توده ایران بود؟ بالاتر از آن، آیا اعلامیه هایی که به این مناسبت از طرف چریکها منتشر شد، مناسب ترین محل برای بحث پیرامون اوضاع کشور و مشی حزب توده ایران بود؟ دشمنان میگویند که در این اعلامیه ها به حزب توده ایران نثار شده، بدون تردید عرق شرم بر پیشانی هر چریک صادقی می نشاند. اما چنانکه گفتیم، اصل مسئله این نیست. اصل مسئله اینست که احتمالا کسانی خواسته اند درست از سالگرد شهادت روزبه، که خاطره اش برای هر توده ای بینهایت عزیز است، برای پاشیدن تخم نفاق سوء استفاده کنند و تشنج مصنوعی و اختلاف ساختگی تازه ای بوجود آورند تا راه برای بحث منطقی بسته شود. ظاهراً کسانی وجود دارند که برخلاف عناصر صدیق و ساده، میدانند چه میکنند و میدانند که لحظه کنونی تا چه حد حساس و تبادل نظر مسئول و معقول میان سازمانهای انقلابی تا چه حد ضرور و جلوگیری از آن برای چه کسانی سودمند است. مادر گشته نظایر این حادثه سازیهای مصنوعی و دوپه زنی های عمدی را در لحظات حساس دیده ایم و موظفیم گوش بزنگ باشیم. لذا نخستین توصیه ما اینست که به حادثه سازان میدان ندهیم. احساس مسئولیت کنیم. ماحرف برای گفتن و گوش برای شنیدن نداریم. کسانی که صادقند، چه بهتر که در محیط سالم و مسئول بگویند و بشنوند.

**خس و خاشاک**  
مهمترین مسئله ای که امروز در دستور روز است، عبارتست از ارزیابی درست لحظه، تعیین درست دوستان و دشمنان انقلاب و تناسب قوای طبقاتی و متناسب با آن تعیین مشی درست انقلابی در نبرد با ضدانقلاب.

حزب توده ایران، با بهره گیری از تئوری لنینی انقلاب و دستاوردهای مارکسیسم-لنینیسم در این عرصه، با استفاده از تجربه بیش از هفتاد سال نبرد سوسیال دموکراسی انقلابی و کمونیستهای ایران، از زمان جنبش مشروطه تا به امروز، و با استفاده از تجربه جنبش جهانی کمونیستی و کارگری، مشی اتحاد با سایر نیروهای ضد امپریالیست و دموکرات ایران را، که زیر پرچم اسلام و زیر رهبری امام خمینی گرد آمده اند، پیش گرفته و این مشی را پیگیرانه تعقیب میکنند. هر کس آزاد است که این مشی را بپذیرد و یا نپذیرد. اما هیچ انقلابی، و بطریق اولی هیچ مدعی هواداری از مارکسیسم - لنینیسم، حق ندارد این مسئله را سراسری بگیرد و با نثار چندین نام و اتهام، یقه خود را از برخورد مسئول و جدی به این مسئله برهاند، چرا که سرنوشت جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران و در عرصه ای وسیع تر و زمانی درازتر، سرنوشت جنبش کمونیستی ایران مطرح است. با این چیزها نمیتوان شوخی کرد. متأسفانه بخشی از دوستان، از سازمان چریکهای فدائی خلق مسئله را جدی نمیگیرند، و یا بهتر بگوئیم، میترسند جدی بگیرند و لذا ترجیح میدهند که با چند جمله پردازی سراسری و مبالغه ای دشمنان و اتهام خود را از درگیری با مسئله اصلی و اساسی خلاص کنند.

در اعلامیه ای که بمناسبت شهادت خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، بنام سازمان چریکهای فدائی خلق منتشر شده، این ادعای مسخره گروه های مائوئیستی تکرار شده است که گویا حزب توده ایران معمولاً تاکتیک و استراتژی ندارد، چشم بسته و فرصت طلبانه بدنبال دیگران میدود. اعلامیه نویسان برای اثبات درستی این نظر ادعای میکنند که گویا اصولاً، «تسلیم طلبی در مقابل جریان مسلط، ویژگی اصلی دارو دسته کمیته مرکزی در طول تمام دوران حیاتش بوده است»  
آیا این برداشت جدی است؟ مسلماً نه! اولاً حزب توده ایران، در مدت سی و هفت سال مبارزه قهرمانانه خود، با تمام جریانهای مسلط و ناسالم سیاسی رزمیده و از پایکی ایندولوژی مارکسیستی-لنینیستی دفاع کرده است. روزیکه حزب توده ایران تشکیل شد، فاشیسم و «آلمان پرستی» جریان مسلط در ایران بود و اکثر جوانان مدارس و محیطهای خرده بورژوازی و بورژوازی دنیال آن میدویدند.

حزب مایک تنه علیه آن رزمید. پس از آن «امریکاپرستی» مدروز شد. روشنفکران خرده بورژوا و محافل بورژوازی و وابستگان آنها مدتها بدنبال امریکا دویدند، ولی حزب توده ایران یک تنه در برابر آن ایستاد. پس از «امریکاپرستی» نوبت «مائو پرستی» و انواع چریکیهای انحرافی بورژوازی رسید و بسیاری از روشنفکران مائوئیست شدند، و یا از ترکیب نظریات مائو و مارکوزه و وائل رستو و امثال آنها، لباس چل تکه برای خود دوختند و «مستقل» شدند و از آن پس برخی دیگر بدنبال رژی دیرسره و «انقلاب در انقلاب» دویدند و چه بسا در این راه جان باختند... حزب توده ایران در همه این مراحل یک تنه در برابر «چریان مسلط» ایستاد. به حزب توده ایران اتهام تسلیم طلبی در برابر جریان مسلط نمیچسبد.

ثانیاً - که مهم تر است - هیچ انقلابی مسئولی نباید بخود حق بدهد که با چنین اتهامات پوچ و کینه توزانه ای مسئله اساسی، یعنی مشی انقلابی را برای خود حل شده تلقی کند. باید به مسائل جدی برخورد جدی داشت.

در اعلامیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، برای اثبات این ادعا که سیاست حزب توده ایران فرصت طلبانه و دنباله روانه است، پس از مبالغه ناسزا، گفته میشود:

«پس از ۲۸ مرداد در مدتی کوتاه تمام تشکیلات حزب همچون حبای از صحنه مبارزات سیاسی ناپدید گشت و از آن چیزی جز محفلی از روشنفکران از میدان گریخته باقی نماند.»

در دیگر نوشته های چریکها، رهبری حزب توده ایران «اپورتونیستهای کهنه کار و بیرونی تالیهای از کار افتاده قدیمی»، کسانی که از صحنه نبرد «به خارج گریخته اند»، «فیل های مهاجر حزب توده که ادعا میکنند حزب طبقه کارگر هستند» معرفی میشود و تاریخ حزب ما، به استناد وقایعی نظیر آنکه، دکتر یزدی در آستانه اعدام تسلیم شد و عباس شهریاری پلیس ساواک در سازمان حزب رسوخ کرد و غیره، یکدست سیاه ترسیم میگردد، و از این ناسزاها این فرضیه بیرون کشیده میشود که، مشی حزب توده ایران نادرست است!

بنظر ما این طرز برخورد نه فقط زشت و بسیار زشت، بلکه بخصوص برای یک سازمان انقلابی خطرناک است. چگونه میتوان چشم بر واقعیات بست و به استناد اینکه شنیده ام حسن پیرتر از حسین است، نظر حسین را چشم بسته به نظر حسن ترجیح داد؟

زشت است، بسیار هم زشت که سازمان مبارزی، که میخواهد مارکسیسم-لنینیسم را راهنمای خود قرار دهد، مهاجرت سیاسی را فقط و فقط برای اعضای حزب توده ایران جرم بشمارد و در عوض، مهاجرین سیاسی از سازمانهای بورژوازی را با آغوش باز بپذیرد، و در سایه همه این زشتیها، اختلاف نظر بر سر مسائل اساسی را پنهان کند و حاضر به بحث جدی و خلاق پیرامون آن نباشد. دوستان عزیز! اولاً تاریخ حزب توده ایران غیر از آنست که دشمنان طبقه کارگر بشما تلقین کرده اند. و ثانیاً - که مهمتر است - با کدو و کاکو در دروغهای ضد کمونیستی نمی توان درستی یا نادرستی عقاید سیاسی را تعیین کرد. آیا شما احساس نمی کنید که در برابر تاریخ سازمانهای بورژوازی و رهبران بورژوازی اگر خیانت هم کرده باشند - حسن ظن و بزرگواری بیشتری دارید و خیانت واقعی و طبقاتی آنها را، که میتواند نشانه های اژمشی سیاسی آنها باشد، بطور کامل فراموش میکنید؟ در زمان مصدق و بلافاصله پس از ۲۸ مرداد، در کشور ما فقط دو سازمان سیاسی وجود داشت، حزب توده ایران و جبهه ملی ایران. آیا این دو را بطور جدی با هم مقایسه کرده اید؟

این ادعا که سازمانهای حزب توده ایران مثل حبای ناپدید گشت، حقیقت ندارد. ادعای شاه و سازمان امنیت اوست که میخواهند برای طبقه کارگر رجز بخوانند و از تجدید سازماندهی انقلابی آن جلوگیری کنند. تکرار این ادعاها در شان شما نیست. حزب توده ایران، پس از ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، بزرگترین و قویترین سازمان پنهانی تاریخ ایران را بوجود آورد. این سازمان، با آنکه در دوران مصدق تا حدودی باز شده و شناخته شده بود، پس از کودتای ۲۸ مرداد، مدت چهار سال مداوم در برابر شدیدترین ضربات دشمن مقاومت کرد و فقط در سال ۱۳۳۶ بود که مرکز آن در داخل کشور شکست. ولی سازماندهی حزب، بلافاصله پس از آن، از نو آغاز شد و بسیاری از توده ایها قهرمانانه، در دهه های ۱۳۴۰ - ۱۳۵۰، در سخت ترین شرایط به تجدید سازمان حزب پرداختند. یک مبارز واقعا انقلابی حق ندارد رسوخ یک پلیس ساواک را به این سازمان بپا نه کند و فداکاری آنهمه مرد وزن انقلابی را هیچ بگیرد و به لجن بکشد. درست است که عباس شهریاری در این سازمان رسوخ کرد، و اینهم درست است که مردانی چون حکمت چو، معصوم زاده و رزمی در همین سازمان بودند و زیر شکنجه بقتل رسیدند و ماهوز گور معصوم زاده و رزمی را پیدا نکردیم. در همین سازمان مبارزینی چون علی خاوری، آصف رزم دیده و صابری محمدزاده (اعضا و مشاوران کمیته مرکزی حزب توده ایران) بودند که شدیدترین فشارها را در زندان محمدرضا شاهی تحمل کردند و مردانه بر سر ایمن خویش ایستادند. و دهها مبارز دیگری نیز در آن سازمان بودند، که کمترین خدشه ای در ایما نشان وارد نشد.

رسوخ پلیس در سازمانهای پنهانی حادثه ای است محتمل. باید دید سازمانهای سیاسی با این حادثه چگونه برخورد میکنند. حزب ما جدی برخورد کرد، به رسوخ پلیس پی برد، عامل دشمن را یافت، برای بی ضرر کردن آن تصمیمات جدی گرفت و متناسب با آن، حتی در عالیترین سطح رهبری حزب تغییرات لازم بوجود آورد و کار سازماندهی خود را از ریشه تغییر داد.

سازماندهی نوین حزب که از ۱۳۵۰ آغاز شد، موفقیت بزرگی کسب کرد. سازمانهای حزب توده ایران در آن شرایط سخت پلیسی و زمانیکه انواع انحرافات سیاسی و سازمانی بر روح جوانان مسلط بود و کار سیاسی و توده ای و کوشش برای بقا سازمان حزبی غیر مقدور و حتی گناه معرفی میشد، آری، درست در آن زمانها ریشه گرفتند و توانستند نشریه های منظمی هم چون نوید را چاپ و با چنان وسعتی در سراسر کشور پخش کنند.

دوستان عزیز! اینها فقط تاریخ حزب ما نیست، تاریخ مردم ایران و تاریخ زحمتکشان ایران است، و اگر شما واقعا مارکسیست - لنینیست باشید، اینها تاریخ شماست. چه نفی دارید که تاریخ خودتان را به لجن بکشید؟ چه نفی دارید که به بورژوازی کمک کنید تا سازشکاری خود را بر سر پایه تحریف تاریخ طبقه کارگر پنهان کند؟ آیا شما تاریخ سازمانهای بورژوازی را، که با آنها صمیمانه همکاری می کنید، بررسی کرده اید؟ آیا درباره چگونگی دستگیری و شهادت دهها چریک فدائی خلق که محل اقامت و یا قرار ملاقاتشان از طرف پلیس شناسائی شد، تصور دقیقی دارید؟ چنانکه میدانید، اکثریت قاطع چریکهای فدائی، نه در حین عملیات نظامی، بلکه در منازل و یا سر ملاقاتها گیر افتادند.

و اما درباره مهاجرین توده ای، بر خلاف ادعای قتلشن دیوانهای دربار پهلوی و هندستان آن از جر که خرابکاران رنگارنگ، مبارزین توده ای و از

بقیه از صفحه ۱

## عدالت حکم میکند...

«تهرانی» شکنجه گر، که پسرده از این جنایت موحش برداشت.

گروه جزئی را، همراه با دونفر از گروه مجاهدین خلق، با انتقام آنکه زیر شکنجه حرفی نزنده بودند و نیز برای زهر چشم گرفتن از همزمان و همکارانشان، با آن طرز فجیع، که حتی باور بدان برای هر انسانی مشکل است، بقتل رسانده اند. در کجای جهان کیفر سکوت در زیر شکنجه، تیرباران است؟ در کجای جهان قصاصی قبل از جنایت میکنند، آنهم بدین ترتیب، که بخشی از یک گروه مبارز را با آن شکل فجیع بقتل برسانند، تا بخش دیگر را بترسانند؟

این همه قساوت و سفاکی می تواند فقط قانون جنگلی باشد که وحوش ساواک، به سرکردگی جانور دیو خونی چون شاه خائن بر آن حکومت می کرده اند.

با آنکه این شکنجه گران بی همه چیز، راز بسیاری از قتل های سالهای اخیر را فاش کرده اند، ولی هنوز ماجرای بسیاری از قتلها در افکار عمومی در پرده ابهام است. اکنون روشن شده، که برخی از زندانیان را بظاهر آزاد می کرده اند و پس از چند روز به قتل می رسانده اند و سپس شایع می کرده اند که در «برخورد مسلحانه» بقتل رسیده اند اکنون فاش شده، که عده ای از مبارزان زیر شکنجه بشهادت رسیده اند، ولی ساواک نسبت خودکشی به آنها داده است. اکنون معلوم است که عده ای از بازداشت شدگان سیاسی را، پس از اعمال شکنجه های وحشیانه، با خوراندن قرص سیانور و با اسلحه مجهز به صدا خف کن بقتل رسانده اند و بر این جنایتها پرده سکوت کشیده اند.

با این همه هنوز ماجرای قتل برخی از اعضا حزب توده ایران در پرده معماست از جمله رقای شهید ما معصوم زاده و رزمی که بدست عمل ساواک نابود شده اند اما کی و چگونه، بر کسی معلوم نیست و یا در مورد قتل رفیق شهید ما هوشنگ تیزابی در زیر شکنجه، که هنوز نای از شکنجه گر او و کیفیت شهادت این رزمنده قهرمان در میان نیست.

طبق اطلاع رسمی سخنگوی دولت، در ایران ۵ تا ۸ هزار ساواکی وجود دارد، که تهرانیها و شادانزالی از فعالین آنها، در عرصه شکنجه و عذاب بوده اند. بقیه را نه می توان بیکجا شمرد و نه اجازه داد که پنهان یا آشکار به زندگی بر دسیسه و تخریب خود ادامه دهند. گروههایی که شبان پیله های خود بیرون می خزند و به کار توطئه و قتل و تخریب و ناامنی دست می یازند، جز همین آبرویا ختگان ساواکی نیستند. تروریستهایی که قتل مبارزان ضد امپریالیست را در برنامه کار خود قرار داده اند، جز از وابستگان رژیم سابق و عمل ساواک و سیا نیستند.

جای بسی تأسف است که قریب چهار ماه پس از انقلاب هنوز هزاران نفر از عمل ساواک آزادند و بکار توطئه و تخریب ادامه میدهند و آنوقت درست در چنین شرایطی، از سوی رئیس دولت، آقای مهندس بازرگان، صحبت از ضرورت «عفو عمومی» میشود! سوال ما اینست، که چگونه میتوان با اعلام عفو عمومی، بر مجازات این هزارها جنایتکار، که شرف انسانی هموطنان، و آزادی و استقلال میهن ما را مسخره گرفته بودند، خط بطلان کشید؟ چگونه میتوان در شرایطی که امپریالیسم در کمین انقلاب ما و نوابودی دستاوردهای آنست، اجازه داد که عوامل آن، با استفاده از عفو عمومی، راست راست در خیابانهای شهر بگردند و به توطئه و دسیسه ادامه دهند؟

ما مفسران نیستیم که مجازات هر جرمی اعدام نیست و مدعی نیستیم که

بقیه در صفحه ۳

# رویدادهای جهان

## تجاوز اسرائیل به بانه حملات چریکی

رویت از بیروت گزارش داد که دولت لبنان اعلام کرد که اسرائیل به عملیات تجاوزکارانه خطرناک خود از راه هوا، دریای و زمین ادامه می‌دهد و عده زیادی از غیر نظامیان لبنانی را بقتل رسانده است. توینی نماینده لبنان در سازمان ملل متحد، در نامه‌ای که به کورت والدهایم نوشت تأکید کرد که حملات چریکی در داخل اسرائیل، تجاوزات این کشور را توجیه نمی‌کند.

\* چکسلواکی و سوریه، در اعلامیه مشترکی که صادر کردند، اوضاع خاورمیانه را انفجار آمیز توصیف کردند و مؤکداً اعلام داشتند که تنها وسیله نیل به صلح در خاور میانه، توسل به یک راه حل همه‌جانبه، عادلانه و دائم است. در این اعلامیه که در پایان سفر گوستاو هوساک به سوریه انتشار یافت، تأکید شد که چکسلواکی و سوریه اعتقاد دارند که وضع انفجار آمیز کنونی خاور میانه، همبستگی اعراب را ایجاد می‌کند. هوساک و اسد مؤکداً اعلام داشتند که همه نیروهای عرب باید برای مقابله با سیاست تسلیم جویانه و یک‌جانبه رژیم مصر و خنثی کردن توطئه مشترک امپریالیسم و صهیونیسم نیروهای خود را متحد سازند. رؤسای جمهوری چکسلواکی و سوریه در این اعلامیه مشترک حملات اسرائیل را به لبنان محکوم کردند و انقلاب ایران را ستودند.

## افغانستان در راه دگرگونیهای وسیع

نور محمد ترکی رئیس شورای انقلابی افغانستان اعلام کرد که اجرای برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی افغانستان دگرگونی‌های وسیعی را در همه شئون کشور پدید خواهد آورد وی تصریح کرد که این برنامه وضع مردم‌پسند و بهبودی خواهد بخشید. از طرف دیگر حفیظ امین، نخست‌وزیر افغانستان در مصاحبه‌ای گفت برنامه‌های اصلاحات ارضی در کشور وی سریعاً اجرا می‌شود.

## قبرس مرکز فعالیت جاسوسی پنتاگون

خبرگزاری تاس از نیکوزیا گزارش داد که، و. لیساریس، سیاستمدار قبرسی در پارلمان این کشور گفت که پایگاه‌های نظامی انگلیس در قبرس زیر نظارت آمریکا و پیمان اتلانتیک شمالی (نا‌تو) قرار می‌گیرد. وی تصریح کرد که هواپیماهای اکتشافی و صدها متخصص فنی نظامی آمریکا در یک پایگاه انگلیسی استقرار یافته‌اند و هم‌اکنون جمع‌کثیری از متخصصان آمریکایی در ناحیه دیگری از قبرس مستقر شده‌اند تا تجهیزات جاسوسی را بکار گیرند. موضوع پایگاه‌های جاسوسی آمریکا، افزایش حضور نظامی این کشور در قبرس (در پی انقلاب ایران) از طرف پوتامی‌توس، عضو پارلمان قبرس عنوان شد. وی گفت: «بعد از انقلاب ایران، پایگاه‌های انگلیس و منطقه اشغالی قبرس در بر روی پنتاگون گشودند که این خود بر شدت بیشتر وخامت اوضاع در این جزیره می‌انجامد.»

لیساریس در پایان سخنان خود در پارلمان قبرس تأکید کرد که وجود پایگاه‌های نظامی خارجی در قبرس متضاد با آرمان صلح و موجب اخلال در استقلال و حاکمیت این جزیره است.

## کبوتران صلح مصر و جتهای جنگی اسرائیل

تاس خبرگزاری تاس در تفسیری مربوط به گفت وگوهای مصر و اسرائیل نوشت:

«المریش طی تشریفات همراه با رژیم نظامی به مصر تحویل داده شد و بدین مناسبت، به علامت استقرار صلح، صدها کبوتر سفید بسوی آسمان رها شده تاس سپس ضمن طرح این سوال که آیا آنچه میان مصر و اسرائیل بوقوع پیوست، یک صلح بود، نوشت که سرزمین کوچکی که فقط دو درصد تمام صحرای سینا مساحت دارد، در زمانی که سرزمینهای لبنان و اردوگاههای فلسطینی در معرض حملات وسیع هوایی، بمباران توپخانه و موشک‌های اسرائیل بود، در اختیار مصر قرار گرفت.»

در چنین اوضاع و احوالی است که گفت وگویی مصر و اسرائیل با شرکت آمریکا در بر شبا شروع می‌شود. موضوع این مذاکره «اعطای یک شیبه خود مختاری به فلسطینی‌هایی است که در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه زندگی می‌کنند نمایندگان سه کشور به مذاکره می‌نشینند تا سر نوشت خلق عربی فلسطین را تعیین کنند، حال آنکه نماینده این خلق در گفت وگو شرکت ندارد و آرمانها و مطالباتش، بالاخص قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، اعتراضات کشور های عربی و مهمتر از همه خود فلسطینیها نادیده گرفته شده است. خبرگزاری شوریس سپس نوشت که کبوترهای صلحی که در آسمان المریش به پرواز درآمدند نمی‌توانند مانع پرواز آن دسته از جتهای جنگی اسرائیل شوند، که مأموریت دارند زنان، پسر مردان و کودکان لبنانی را آماج بمبهای خوشه‌ای و فسفری سازند.

## رژیم دست نشانده غرب در رودزیا

سازمان وحدت افریقا، دولتهای آمریکا و انگلیس را از شناسایی دولت جدید رودزیا بر حذر داشت این سازمان در اعلامیه‌ای که انتشار داد تأکید ورزید که برسمیت شناختن ابل موزوروا از طرف آمریکا و انگلیس نتایج و عواقب پیش بینی ناپذیری ددی خواهد داشت.

سازمان وحدت افریقا همچنین اعلام داشت که انتخابات اخیر رودزیا، که به پیروزی موزوروا انجامید، شرم آور است.

آسوشیته پرس در گزارشی از ابوظبی، به سخنانی که راجح پای وزیر خارجه هند در یک کنفرانس مطبوعاتی درباره رودزیا گفت استناد کرد. وزیر خارجه هند از اقدامات اخیر آمریکا و انگلیس در مورد لغو تحریم اقتصادی رودزیا ابراز نگرانی کرد. وی از آمریکا و انگلیس خواست که مجازات اقتصادی مقرر علیه رودزیا را لغو نکنند. راج پای سپس ضمن اعلام این مطلب که انتخابات اخیر رودزیا غیر قانونی است از همه کشورهای جهان خواست که از هرگونه اقدامی که به رژیم دست نشانده رودزیا اعتبار بخشد امتناع ورزند.

## جهان سوسیالیسم در راه صلح و تفاهم بین المللی می‌کوشد

خبرگزاری تاس از پراگ گزارش داد که آلکسی کاسیکین، در ضمن دیدار دوستانه از چکسلواکی، با گوستاو هوساک دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و رئیس جمهوری این کشور گفت وگو کرد از جمله موضوعاتی که مورد بحث طرفین قرار گرفت همکاری‌های سودمند میان دو کشور و هماهنگی طرهای اقتصادی شوروی و چکسلواکی و مسائل مهم بین‌المللی بود. ملاقات بر ژنرف و کارتر که در وین انجام خواهد گرفت و امضای پیمان سالت ۲ از طرف رؤسای جمهوری اتحاد شوروی و آمریکا نیز میان کاسیکین و هوساک مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

\* خبرگزاری یونایتد پرس از واشنگتن گزارش داد که مقامات آگاه در این شهر اعلام کردند که اتحاد شوروی و آمریکا احتمالاً در کنفرانس وین، که ماه

بقیه از صفحه ۱

## انقلاب و زایش...

نباشد، باردیگر میدان به دستبردهای غدارانه ضد انقلاب یعنی ارتجاع ایران و امپریالیسم جهانی می‌دهد.

از میان سه وظیفه، چنانکه گفتیم، تنها وظیفه اول، یعنی وظیفه براندازی، انجام گرفته است.

اکنون ما در مرحله یا دور دوم هستیم، که آنرا دوران گذار می‌نامیم (نه دوران نوسازی، اگرچه برخی نوسازها از همین دور آغاز می‌شود).

دور دوم، دور بسیار حساسی است. این دوران، دوران دردهای پررنج زایش است. نبرد درونی نیروهای که در دور اول باهم متحد بودند، میتواند به ضد انقلاب، که کمین کرده است، فرصت بدهد تا سراپای جنبش انقلابی را باناکامی روبرو کند.

درست در این دور است که باید نهایت درجه دقت و احتیاط بعمل آید. البته این دوران دوم، دوران گذار، دوران لایه‌بندی و نبرد نیروها برای تعیین خط سیر آتی انقلاب، دوران «که بر که چیره میشود» یک دوره و مرحله ضروری ناگزیر هر انقلابی است. در این دوره نیروهای انقلابی باید وظایف و وظایف خود را تعیین کنند.

۱- از انقلاب و سیر آتی آن و دوستان پی‌گیر و یاران نیمه راهش تصور روشنی کسب کنند: آتقد در وقایع جاری غرق نشوند، که دورنما را فراموش کنند. آتقد، بگفته لنین، در تماشای درخت محو نگردند، که تمام جنگل را نبینند. طوری عمل نکنند که نادانسته آلت دست ضد انقلاب شوند. خصلت نیروها، متحدین واقعی خود را تشخیص دهند. دوست و دشمن را باز شناسند.

۲- تمام مساعی خود را برای «همبودگی نیروها»، حفظ وحدت عمل در عین مبارزه ضروری، همراه با کوشش برای رسیدن به توافق در مورد وظایف جاری، بکار بندند. از سیاست تفرقه و تشتت خصمانه، که بهترین کمک به ضد انقلاب سرکوب شده است، بپرهیزند. تصور نکنند کار تمام شده و دشمن (که دارای سازو بزرگ جهانی و اعمال داخلی وسیعی است) دیگر بی‌خطر است! چنین گمراهیهای وحشت آوری را تاریخ نخواهد بخشید. تاریخ نه فقط تبه‌کاران ضد اجتماعی را مجازات میکند، تاریخ پندار با فغان غره و گمراه را که خیره سرانه فرصت‌های عالی را از دست میدهند و در ذهنیات و وهمیات خویش غوطه می‌زنند و افق‌ها را نمی‌بینند، نیز بسختی مجازات می‌کند.

۳- کوشش وسیعی بکار بندند تا بر اساس وسیع‌ترین توافق نیروهای انقلابی، برنامه نوسازی جامعه روشن شود، تا انتقال به مرحله سوم و ارجاع وظایف مرحله سوم دشوار نباشد. بهترین شیوه در این کار، چنانکه حزب ما بارها و مکررانه تکرار کرده است، مشورت جمعی است، نه آنکه گروه انقلابی معین بکوشد تا انحصار یافته و لوژیک خود را برقرار کند. اینکار، در طول مدت، بناگزیب موجب رمیدگی دیگر نیروها میشود و بعلاوه، آن پلاتفرم و زمینه عمل را که بتواند

آینده تشکیل خواهد شد، درباره اعضای پیمان مربوط به تحریم ماهواره‌های قاتل گفت وگو خواهند کرد. طرفین به انتقاد این پیمان ابراز علاقه کرده‌اند. و در سه کنفرانس پیشین نیز که در وین تشکیل یافته، پیشرفت‌هایی در این زمینه حاصل شده است. ماهواره‌های قاتل از نوع ماهواره‌هایی است که قادر است ماهواره‌های دشمن را در فضا معدوم سازد.

## کارتر از رقابت صلح آمیز سخن می‌گوید

از طرف دیگری به گزارش، خبرگزاری شوروی، جمعی کارتر اعلام کرده است که وی تردیدی ندارد که انعقاد پیمان سالت ۲ چشم‌انداز حفظ صلح جهان را بهبودی خواهد بخشید. وی که با گروهی از شخصیت‌های اجتماعی آمریکا در کاخ سفید گفت وگو می‌کرد، گفت: « این پیمان به آمریکا مجال خواهد داد که با اتحاد جماهیر شوروی به رقابت صلح آمیز پردازد و از خطر جنگ هسته‌ای بکاهد.»

رئیس جمهوری آمریکا سپس ابراز اطمینان کرد که اعضای پیمان سالت ۲ به اعمال نظارت جدی تر بر گسترش و کاربرد سلاح‌های جهان خواهد انجامید و بر امنیت آمریکا خواهد افزود.

کارا و مؤثر و ثمر بخش باشد، بوجود نخواهد آورد.

چنین است وظایف سه‌گانه مرحله فوق‌العاده حساس و فوق‌العاده خطرناک گذار، دوران دردهای مخوف زایش، دوران کمین و انتظار و امید ضد انقلاب، دوران سردرگمی نیروهای نخواست، دوران غرگی‌ها و پندارها، دوران مختل شدن وحدتی که در مرحله اول انقلاب بود، دوران استغراق در مبارزاتی، که از سوئی ناگزیر است و از سوئی اگر جنبه مطلق شده و خصمانه و خسرند کننده پیدا کند، موجب تضعیف تمام انقلاب و لذا شکست آن میشود.

اگر این دوران مشکل دوم را، که ما آنرا دوران گذار می‌نامیم، باموقیبت بگذرانیم، گام در دوران سوم، دوران زایش نظام نو و تثبیت نوین می‌گذاریم. مسلماً آن دوران نیز چنانکه تصریح کرده‌ایم، متضمن دشواریها و بغرنجیهای بیشماری است، ولی چون انقلاب دوم مرحله راپشت سر گذاشته، لذا اعتماد بنفش و تجربه معین برای پیشروی کسب کرده است. بویژه اگر دوران نوسازی به پلاتفرم متفق همه با اکثر نیروهای انقلابی متکی باشد، آنگاه کار خود را هم در نبرد علیه ضد انقلاب، هم در نبرد برای نوسازی، با سهولت نسبی بیشتری پیش میبرد.

یکی از مشکلات انقلاب ایران آنست که نیروهای شرکت کننده در این انقلاب، به بررسی قوانین عام آن، توجه کافی ندارند و در بحث‌های تجربی و یادار وقایع روزمره غرقند. وقایع روز مره - بویژه برخی از آنها - مسلماً مهم هستند و باید بدانها توجه کرد، زیرا در آنها خود این قانونمندیهای کلی اجتماعی بازتاب دارد. در جریان یک مبارزه جوشان و خروشان، نمی‌توان و نباید از بررسی امور عینی و مشخص روز، امور واقع، غافل ماند. ولی آیا باید باین یا آن واقعه، به گفتارها و کردارها جداگانه بسنده کرد؟ نه!

انقلاب به ادراک تئوریک و جامع خود نیازمند است؛ برای آنکه انقلابی بتواند راه یابی کند، افق وسیع داشته باشد، راه را از جهل، دوست را از دشمن تشخیص دهد، در دام نیفتد، غافلگیر نشود و غیره، باین جمع‌بندی و ترابندی علمی و تئوریک نیاز وافر دارد.

با آنکه اصول تئوری انقلاب را میتوان در کتب کلاسیک‌ها یافت، ولی این اندازه کافی نیست. هر انقلابی چنانکه خود کلاسیک‌های مارکسیسم - لنینیسم گفته‌اند، انبوه عظیمی مسائل نو و خود ویژه ایجاد می‌کند، که باید توانست در پرتو اسلوب درست تفکر، این انبوه عظیم مسائل نو و خود ویژه را در معرض گوارش و ادراک علمی قرارداد. همانطور که غرق شدن در رویدادها و واقعات جاری و ندیدن سیر کلی خطرناک است، چسبیدن به احکام مجرد کتابی و ندانستن قدرت انطباق و کاربرد آنها در شرایط مشخص، کمتر خطرناک نیست. ما به تئوری انطباقی، که واقیعت تاریخی و اجتماعی ما را بدرستی منعکس کند و قانونمندیهای آنرا بیرون کشد و وظایف ما را بر اساس این قانونمندی‌ها روشن سازد، نیازمندیم.

تئورسین‌های بزرگ انقلابی با تنها اسلوبی را می‌آموزند که ما، بکمک

آن، باید بتوانیم. این «هنر آردره» مخوف و پرپیچ و خم و قایم راه جوئی کنیم. باید در زمینه این راه جوئی دشوار از خود لیاقت فکری و عملی نشان داد.

توجه به مراحل سه‌گانه انقلاب ایران، تشخیص آنها از هم، تعیین وظایف هر مرحله یا دوره و عمل به وظایف و قوانین ویژه این مرحله دارای اهمیت حیاتی است. ماهمه نیز وای صادقاً انقلابی را باین نکته توجه میدهم.

بقیه از صفحه ۱

## نقش انقلابی...

امامتاسفانه باید گفت که خراب‌کاری و کارشکنی ضدانقلاب راست و شمارهای فریبنده و توخالی چپ‌نماها موجب شده است که در برخی از تأسیسات صنعتی، کم کاری و متوقف ساختن کار ادامه یابد. چنانکه کار را یاد آور شده‌ایم، کارگران مسائل و معضلات قانونی و مشروعی دارند که دولت وظیفه دارد با تفاهم کامل با این مسائل بر خود کند و به حل صحیح و فوری آنها اقدام نماید مشکلاتی که کارفرمایان آگاهانه بر سر راه کارگران پدید می‌آورند و از آن جمله پائین نگاهداشتن سطح دستمزد، اخلال در کار تشکیل سندیکاهای کارگری، بی توجهی به شرایط کار کارگران، جلوگیری از دخالت کارگران در امور کارخانه و غیره. چیزی نیست که حل آن از عهد دولت خارج باشد. دولت وظیفه دارد که با دخالت مستقیم خود، بحل این قبیل مشکلات کارگران اقدام نماید و شرایط ادامه کار کارگران را فراهم سازد. کارگران نیز با ایجاد سندیکاهای اتحادیه‌های کارگری واقعی باید بتوانند به مبارزه سازمان یافته برای حقوق صنفی خود و علیه استثمار و تعدی و اجحاف کارفرمایان دست‌زنند، بی آنکه لازمه چنین مبارزه‌ای کم کاری و یا تعطیل کارخانه باشد.

تبلیغ شعارهایی نظیر، ادامه کار کمک به استثمارگر است و غیره و غیره، عملاً چیزی جز کمک به دشمنان انقلاب نیست. دشمنان خارجی و داخلی انقلاب یعنی امپریالیسم غارتگر، سازمانهای جاسوسی وابسته بان، عناصر وابسته به رژیم و ساواکیهای جنایتکار همه و همه می‌خواهند که چرخ صنعت و کشاورزی و سایر رشته‌های اقتصاد فلج شود. و شمار بیکاران افزایش یابد، تولید داخلی را کد بماند، عرضه کالا بازار کم و کمتر شود، بهای کالاهای صنعتی و کشاورزی بیشتر و بیشتر ترقی کند، مردم ناراضی شوند و بر بنیان این نارضایتی، ضد انقلاب وارد عمل گردد و بنیال خوچ اوضاع را بسود خود بحال اول بازگرداند. در این دام چندلایه دشمنان انقلاب نباید گرفتار آمد، هشامی انقلابی حکم می‌کند که ضد انقلاب در هر لباسی، خواه در لباس کارفرمای اخلالگر و خواه در جامه انقلابی چپ‌نما شناخته و شناسانده شود. مصالح انقلاب ایجاب می‌کند که از هر عملی که به اهداف دشمنان انقلاب کمک کند، جدا پرهیز شود و از هیچ تلاشی برای به پیش راندن انقلاب و حفظ دستاورد های آن دریغ نکردد. وظیفه طبقه کارگر مبارز است که در عین مبارزه برای تحقق مطالبات صنفی و سیاسی خود، با تمام نیرو برای بگردش در آوردن چرخ اقتصاد کشور بکوشد.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود  
نشانی:  
خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸،  
تلفن:  
۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

### نفت ایران میتواند و باید ضامن استقلال اقتصادی و پیشرفت اقتصادی ما باشد

افکار عمومی باید در جریان وضع کنونی صنعت نفت ایران قرار گیرد. آخرین آمار منتشره از طرف شرکت ملی نفت ایران حاکیست که در اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، متوسط تولید نفت خام از مناطق نفتخیز خوزستان و حوزه فلات قاره، حدود ۴ میلیون بشکه در روز بوده است.

این تنها اطلاع دقیقی است که پس از پیروزی انقلاب پر توان خلقهای میهن ما و اعلام جمهوری اسلامی، از جانب مقامات مسئول شرکت ملی نفت در معرض افکار عمومی گذارده شده است. با در نظر گرفتن نقش حیاتی نفت در اقتصاد ملی جای آن بود که شرکت ملی نفت اطلاعات جامعتری درباره چگونگی روابط با انحصارهای نفتخوار اعضای کنسرسیوم بینالمللی نفت، دهها شرکتی نفتی برون از کنسرسیوم و شرکتی نفتی عدیده مقاطعه کاری خارجی فعال در صنایع نفت و همچنین سیاست کوتاه و دراز مدت نفتی ایران در اختیار مردم قرار میداد.

حدود پنج سال پیش قرارداد جدیدی بین ایران و انحصارهای نفتی به امضاء رسید که بر اساس آن، شرکت ویژه ای برای بهره برداری آبی از منابع نفت به وجود آمد. بموجب این قرارداد انحصارهای چند ملیتی نفت موفق شدند نظارت بر فروش بخش عمده نفت خام ایران در بازار جهانی را در اختیار بگیرند. از سوی دیگر همین شرکت، توسط انواع کمیابهای وابسته و غیر وابسته خارجی، امور خدمات وقتی صنایع نفت را قبضه کرده بود. آیا به این وابستگی گسترده و همه جانبه صنایع نفت به انحصارهای غولپیکر غرب پایان داده شده است؟ فراموش نباید کرد که کنترل اکتشاف و تولید و فروش نفت چیزی جز نظارت بر مجموعه اقتصاد ایران نیست، زیرا نفت و درآمد حاصله از آن نقش تعیین کننده در حیات اقتصادی، اجتماعی و اساسی ایران داشته و دارد. حدود ۸۰ درصد درآمد دولت و ۹۰ درصد درآمد ارزی کشور، تا یکسال و اندی پیش، به حساب فروش نفت بوده، و این روند کاملاً ادامه دارد.

به سبب انحصارهای نفتی باید بطور قطع و برای همیشه پایان داد درآمد نفت بخشی از ارزش جدید بوجود آمده در کشور ما است، که متعلق به مردم ایران میباشد ولی سالیان دراز بخش قابل ملاحظه ای از آن توسط انحصارهای نفتی چند ملیتی، فقط بدان دلیل که آنها واسطه بین تولیدکننده و مصرف کننده نفت خام در سراسر جهان بودند، غارت میشد، انحصارهای نفتی اکنون هم میکوشند تا این نقش پر سود را ابقاء کنند طبق گزارش انحصارهای نفتی به سهامداران، علیرغم افزایش قیمت نفت خام، سود آنها در سه ماه اول سال ۱۹۷۹، به مراتب بیشتر از سود دوران مشابه در سال گذشته بوده است.

مردم ایران تجربه تلخی از سبب نفختخواران جهانی بر صنایع نفت کشور دارند، اینکه ایران در حال حاضر یکی از بزرگترین کشورهای صادر کننده نفت بشکل خام (نه فرآورده های نفتی) است، نتیجه مستقیم سیادت انحصارهای چند ملیتی است. لزومی به یادآوری نیست که رشد سریع صنعتی در کشورهای سرمایه داری غرب در دهه اخیر و نیاز روز افزون آنها به سوخت ارزان قیمت، انگیزه اصلی توسعه سریع صنایع تولید نفت خام در ایران بود. در تقسیم نابرابر و غارتگرانه کار

بین المللی سرمایه داری، تامین سوخت ارزان قیمت برای رشد صنایع کشورهای امپریالیستی بعهده ایران و کشورهای نظیر آن گذارده شده بود. بی سبب نبود که انحصارهای حاکم بر منابع نفت ایران، سالیان دراز از احداث و گسترش صنایع مشتق از نفت و از آنهمه پالایشگاههایی که بتواند بخش عمده نفت خام را در داخل کشور تصفیه کند، جلوگیری بعمل میاورند. در نتیجه این سیاست نواستعماری امپریالیسم نفتخوار، با وجود اینکه ایران حدود ۱۰ درصد نفت خام جهان سرمایه داری را تولید میکند، سهم آن در تصفیه و تولید فرآورده های نفتی از ۱/۶ درصد تجاوز نمیکند. در گزارشی شرکت ملی نفت گفته میشود که، در اردیبهشت ۱۳۵۸، از ۴ میلیون بشکه نفت خام تولید شده در روز، فقط ۷۶۰ هزار بشکه ویا اندکی بیش از ۱۸ درصد آن تحویل پالایشگاههای آبادان، تهران، شیراز، تبریز و کرمانشاه گردیده و ۳۴ میلیون بشکه و یا ۸۲ درصد آن، روزانه بشکل خام از ایران خارج گردیده است. صدور نفت خام، که محصول سیاست ضد ملی رژیم تکلیت پارس سابق است، نه تنها انتقال بخشی قابل ملاحظه ای از درآمد ملی به گاو صندوقهای انحصارهای نفتی است، بلکه در عین حال به معنی تشدید وابستگی ایران به بازار نفت جهانی و بالمال به انحصارهای حاکم بر این بازار است.

پایه های صنعت نفت و گاز برای رشد صنایع در گذشته گسترده است. نفت و گاز برای تولید انواع لاستیک، الیاف مصنوعی، مصالح ساختمانی، داروهای گوناگون و صدها نوع دیگر محصولات است. علاوه بر این صنایع پتروشیمی اهمیت ویژه ای برای کشاورزی و رشکست ایران از لحاظ تولید کود شیمیایی، مواد سمی مورد لزوم در مبارزه با آفات نباتی، تهیه مواد غذایی برای رشد دامداری و غیره دارد.

اکنون دیگر احدی تردید ندارد که صنایع پتروشیمی، بمثابة یکی از رشته های اساسی صنایع سنگین، نقش تعیین کننده در گذار به سطح عالی رشد اقتصادی دارد. نفت و کار پتروشیمی میتواند پایه رشد صنایع گسترده برای تولید انواع لاستیک، الیاف مصنوعی، مصالح ساختمانی، داروهای گوناگون و صدها نوع دیگر محصولات است. علاوه بر این صنایع پتروشیمی اهمیت ویژه ای برای کشاورزی و رشکست ایران از لحاظ تولید کود شیمیایی، مواد سمی مورد لزوم در مبارزه با آفات نباتی، تهیه مواد غذایی برای رشد دامداری و غیره دارد.

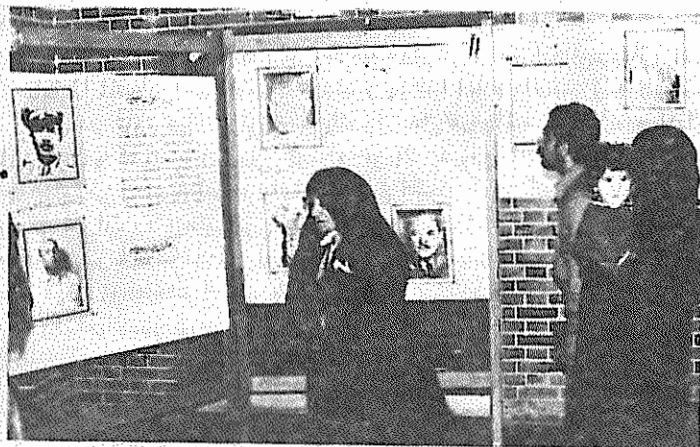
اهمیت نفت و گاز برای رشد صنایع در گذشته نیز روشن بود. ولی انحصارهای جهان غرب و هندستان خیانت پیشه ایرانی آنها بزرگترین سد راه ایجاد اینگونه صنایع در کشور ما بودند. خسارت جبران ناپذیری که رژیم ضد ملی مخلوع به میهن ما وارد ساخته، وقتی برجسته خواهد شد که خاطر نشان سازیم که طبق برآوردی، اگر ایران میتوانست بموقع خود صنایع پتروشیمی را تا درجه ای رشد دهد که قادر میبود امروز حتی ۱۰ درصد نفت خام تولیدی در کشور را به فرآورده های پتروشیمی تبدیل کند، در آنصورت دولت میتوانست از فروش آنها در بازار جهانی دوبار بیشتر از درآمدی که از فروش ۹۰ درصد بقیه نفت خام بدست میآورد، سود کسب کند. ولی هم اکنون درآمد ایران از محل صنایع موجود پتروشیمی از ۳۰۰ میلیون دلار در سال تجاوز نمیکند. تازه سرمایه انحصاری خارجی در این رشته محدود از صنایع هم عمیقاً رسوخ کرده است.

نفت ایران میتواند و باید ضامن استقلال اقتصادی و پیشرفت اقتصادی ما باشد. همین ما دوران نیشواری را میگذرانیم. اقتصاد ملی در سایه حیات سرمایه داران رژیم مخلوع ناهم آهنگ، ناموزون، نابرابر، پرتضاد، دردناک و تاسف آور است. سبب امریالیسم و غارتگری طبقات حاکم در گذشته، شرایط توانفرسائی برای زندگی مردم، بویژه زحمتکشان پدید آورده است. در این میان سیاست نواستعماری دول امپریالیستی و هندستان محلی آنها، امروز هم مانند دیروز، متوجه مسخ ساختن هر چه بیشتر روند تکامل مستقلانه و سالم اقتصادی است، و این بزرگترین خطری است که اقتصاد و رشکست ما را تهدید میکند. امپریالیسم و حامیان ایرانی آن امروز هم مانند دیروز میکوشند و خواهند کوشید که از کلیه شیوه ها و اسالیب قدیم و جدید استعماری و استعمار در بهره کشی کشور ما و استقرار سبب امریالیسم و سیاسی به مقیاس وسیع استفاده کنند و بدینسان انقلاب را از مسیر اصلی منحرف و از تحولات بنیادی در جامعه جلوگیری بعمل آورند.

بحران عمیق و ریشه داری که تحت تاثیر مستقیم تغییر تناسب نیروها در صحنه بین المللی دامنگیر استراتژی نواستعمار امپریالیسم گردیده و شرایط پیروزی انقلاب خلقهای میهن ما را فراهم آورد، زمینه مساعد و مناسبی برای تشدید مبارزه ضد امپریالیستی در جهت ریشه کن ساختن نفوذ اقتصادی و نظامی امپریالیسم بوجود آورده است. وظیفه دولت جمهوری اسلامی است که از این امکانات برای نیل به استقلال اقتصادی حداکثر استفاده را بکند. صنایع نفت عمده ترین عرصه ایست که میتواند در دستیابی به استقلال اقتصادی نقش مهمی ایفا کند.

### مردم حق شناس ما یاد شهیدان را گرامی میدارند

نمایشگاه بیاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران هر روز با استقبال گرمتری از جانب مردم روبرو میشود



#### صحنه ای از نمایشگاه بیاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران

بخوان خفته را گرامی داشته است. «یک مسلمان» نوشته است: «بوستان پر گل خلق ایران را دیدم. امیدوارم گلی در این بوستان باشم. سرانجام پیروزی با خلق است. جاودان باد حزب توده ایران.» کودکی نوشته است: «من که یک پس بچه هستم، افتخار میکنم که یک چنین حزبی را قبول کرده ام. درود بر شهیدان راه آزادی خلق.» ناشناسی نوشته است: «در تمام مدتی که در نمایشگاه بودم، اشک و لبخند لحظه ای از هم جدا نمیشد و همراهم بود.» ناشناس دیگری نوشته است: «ابتدا بغض گلویم را فشردم، اما بعد شاد شدم و با خود گفتم درود بیکران و بی پایان به حزب پر افتخار و پر عظمت آنان، حزب تود ایران.»

در نمایشگاه بیاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران، که بعلمت استقبال کم نظیر مردم، زمان آن تا ۱۵ خردادماه تمدید شده است، صحنه های هیجان انگیزی به چشم میخورد. درسکوت احترام آمیزی که در نمایشگاه حکمفرماست، چهره ها، که گاه از اشک پوشیده است و گاه لبخند غرور بر آنها نقش بسته است، و گاه هر دورا با هم دارد، بیانگر دنیایی است. بازتابی از آنچه که در مغز و دل بینندگان میگذرد، در دفتر نمایشگاه نیز دیده میشود.

مادری نوشته است: «من به عنوان یک مادر، به تمام شهدای حزب توده درود میفرستم و بشما جوانان دعا میکنم، خدایار شما باشد.»

یک راننده تاکسی نوشته است: «از حزب توده ایران سپاسگزارم که یاد شهدای

### کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی خود را آغاز کرده است. لازم به تاکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و توسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله به قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکاری های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه مندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن ۹۴۳۷۴۸، ۹۴۳۴۵۹ - آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه مندان می توانند کمک مالی خود را به حساب بانکی زیرین بپردازند: حساب بانکی به نام: تقی کیمنش و به شماره ۴۴۴۴، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی (ایران نوین سابق).

#### از کمکهای دوستان و رفقا سپاسگزاریم

- از شیراز دوستان ۱۲۰ مبلغ ۲ هزار تومان
- از شیراز دوستان ۱۷۴ مبلغ ۲ هزار تومان
- از رشت آزیتا پینش «از محل پس اندازش و برای کمک به حزب پدرش» مبلغ یک هزار تومان
- از مازندران ن. هاشمی مبلغ ۵۰۰ تومان
- و یک خانواده طرفدار حزب جمعا هفتصد تومان باین شرح:
- سیامک پرن ۴۰۰ تومان
- بابک پرن ۱۰۰ تومان
- قسه پرن ۱۰۰ تومان
- خانم پرن ۱۰۰ تومان
- ب. اضائلو ۳۰۰ تومان
- طهمورث ۵۰۰۰۰ تومان
- محمد مهرباد ۵۰۰ تومان
- مزدک از کازرون ۱۰۲۰ تومان
- قائد از شیراز ۱۰۰۰ تومان
- بهروز از کرمانشاه ۱۰۰۰۰ ریال
- شمس ۳۰۰۰۰ ریال
- م. امیری ۲۰۰۰ ریال
- الف روزوی ۱۰۰۰ ریال
- ف. ۲۱۰ امت ۵۰۰۰ ریال

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق



ارگان مرکزی حزب توده ایران

تک شماره ۱۰ ریال

شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۵۸

# نامه سرگشاده

## کمیته مرکزی حزب توده ایران

به همه نیروهای علاقمند به پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی،

دموکراتیک و خلقی ایران درباره ضرورت درنگ ناپذیر اتحاد

برای مقابله با تحریکات ضد انقلاب و پیدا کردن

راه حل انقلابی مشکلات کنونی

هم میهنان عزیز!

مبارزان راه پیروزی انقلاب ایران!

همه مردم ایران و همه مبارزان ضد امپریالیست و آزادیخواه در سراسر جهان در این ارزیابی شریکند که، انقلاب مردم ایران به پیروزی تاریخی کم نظیری در جهان نائل گردیده است.

در جریان این انقلاب، همه مردم ایران، بجز اقلیت کوچکی خائن و مزدور و غارتگر، فعالانه شرکت داشتند. مردم با همبستگی و همکاری خود، یکی از محکمترین دژهای تسلط امپریالیسم و ارتجاع رادرم شکستند، ولی همانطور که امام خمینی بارها یادآور شده اند، وزنه اساسی این نبرد زندگی و مرگ پرده زحمتکشان شهر و روستا و مبارزان جان برکف انقلابی قرار داشته است، که با نثار دهها هزار قربانی، پایه های کاخ استبداد آمریکا - اسرائیل - شاه - ساواک را متزلزل ساختند و با ضربه نهائی آنها فرو ریختند.

انقلاب پیروزمند ایران، با دستاوردهای بسیار چشمگیری که در همین دوران کوتاه داشته، توانسته است تناسب نیروها در منطقه و در سراسر جهان، بطور محسوس بسود جنبش های رهائی بخش ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و ضد نژادپرستی تغییر دهد.

فروپزیری نظام جهانی استبداد سلطنتی سرنگون شده، استقرار جمهوری اسلامی، با هدف های والا می که در راه تامین استقلال ملی، آزادی، بهبود شرایط زندگی زحمتکشان و پیشرفت همه جانبه اجتماعی در پیش گرفته است، از هم پاشیده شدن سازمان جنایت کار ساواک، مجازات خائنین به منافع ملی و آزادی های فردی و اجتماعی، درهم شکسته شدن ماشین نظامی تجاوز کار امپریالیسم آمریکا، اخراج دهها هزار مستشار آمریکائی که همه شریانی های حیاتی زندگی اجتماعی ما را قبضه کرده بودند، لغو قراردادهای اسارت آور کاپیتولاسیون، سنتو، خرید میلیاردها دلار جنگ افزار و تاسیسات صنعتی غیر ضروری، بیرون کشیدن صنایع و صادرات نفت از چنگال های حریص و خون آلود انحصارهای نفتی امپریالیستی، بازخواندن ارتش ایران از ظفار، قطع مناسبات سیاسی با رژیم سادات خائن، امتناع فروش نفت به اسرائیل و نژاد پرستان جنوب افریقا - اینها همه دستاوردهای چشمگیر و با اهمیت انقلاب ایران در این مدت کوتاه است.

وظیفه مردم قهرمان ایرانست که از این دستاوردها با تمام نیرو پاسداری کنند، آنها را تثبیت و تحکیم نمایند و پیش از پیش در تمام زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و ملی گسترش دهند.

در عین حال نباید فراموش کنیم که انقلاب ایران یکی از دشوارترین دورانهای تحکیم و تثبیت پیروزی خود را میگذراند و بر سر این روند تحکیم و تثبیت، با دشواریهای بسیار جدی روبرو شده و میشود. از سوی دیگر ما شاهد آن هستیم که با کمال تأسف، در زمینه شناخت این دشواریها و راه های برابری برداشتن شان، در میان نیروهای ملی دید یگانگی وجود ندارد و در نتیجه عمل متحد و پیگیری انجام نمیگیرد. تردید نمیتوان داشت که با ادامه این وضع، خطرات جدی سهمین دستاوردهای انقلاب را مورد تهدید قرار میدهد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران با احساس مسئولیت تاریخی میکوشد ارزیابی خویش را از وضعیت کشور در لحظه کنونی، در اختیار همه نیروهای راستین هوادار پیروزی انقلاب ایران قرار دهد و همه این نیروها را به اهمیت حیاتی و درنگ ناپذیر وحدت نظر و اتحاد عملی، علیه دشمنان رنگارنگ انقلاب فراخواند.

بنظر ما ویژگیهای لحظه کنونی در کشور چنین است که:

- عوامل گوناگون بحران در همه زمینه های زندگی اجتماعی شدت مییابد.
- ضد انقلاب (یعنی امپریالیسم و ارتجاع داخلی) با بهره برداری از ناسامانیها هر روز گستاخ تر میگردد.
- سازشکاران، نبرد نیروهای انقلابی خلق را علیه ضد انقلاب فلج میکنند.
- تفرقه اندازان و انحصار طلبان مبارزه مردم را از دستگیری اصلی منحرف میسازند.
- بخشهای مهمی از نیروهای راستین انقلاب ضروریات حیاتی عمده پیروزی انقلاب را با فراموش کرده اند و یابدان کم بها میدهند و خود را با مسائل فرعی و درجه دوم مشغول میسازند.
- همه اینها، همراه هم، موجبات ضعف جنبش انقلابی میهن ما را

فراهم آورده است. تنها از راه شناخت درست ریشه های بحران کنونی و گروهبان عمده آن و با تلاش، برای خنثی ساختن پیامدهای زیان بخش شان، میتوان راه تثبیت پیروزیهای انقلاب را هموار ساخت.

بنظر حزب توده ایران، پیش از آنکه به تحلیل جوانب گوناگون ویژگیهای بالا بپردازیم، ضرورت دارد روشن شود که دشمنان اصلی انقلاب ایران کیانند، هدفهایشان چیست و چه شیوه هایی را در لحظه کنونی برای رسیدن به این هدفها بکار میبرند. این امر از آن جهت ضرورت درجه اول دارد که در باره اش، متأسفانه، میان نیروهایی که خود را هوادار انقلاب ایران میدانند، اختلاف نظر عمیق وجود دارد. برای نمونه میتوان به ارزیابی های گوناگون برخی از اعضای دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، درباره دخالت گستاخانه امپریالیسم آمریکا در امور داخلی ایران، اشاره کرد که جهت گیری روشن آن، کنار گذاشتن امپریالیسم آمریکا، نه تنها بعنوان دشمن اصلی، بلکه حتی بعنوان یکی از دشمنان اصلی انقلاب ایران است. این ارزیابی ها، با ارزیابی اکثریت مطلق مردم ایران، با ارزیابی مکرر امام خمینی، که با شدت تمام در اظهارات چند میلیونی روزهای اخیر در سراسر کشور بازتاب یافته است، در تضاد آشکار است. از آنروست که بنظر ما مهمترین مسئله مورد توجه باید همین امر مشخص ساختن دشمنان اصلی انقلاب ایران، هدفها و شیوه های عمل آنها برای رسیدن باین هدفها باشد.

### دشمنان انقلاب ایران

بنظر ما دشمن اصلی انقلاب ایران امپریالیسم غارتگر جهانی، به سرکردگی امپریالیسم متجاوز آمریکا و هندستان ایرانی آنان، یعنی سرمایه داران و زمین داران بزرگ وابسته با امپریالیستها است. هر گونه تلاش برای منحرف ساختن افکار عمومی مردم انقلابی ایران از سمتگیری بدون تزلزل علیه این دشمن اصلی، چه آگاهانه باشد و چه بر پایه ارزیابی و یا شناخت نادرست از واقعیت، به زیان جبران ناپذیری برای جنبش انقلابی میهن منتهی میشود.

امپریالیسم جهانی (که امپریالیسم آمریکا در رأس آن قرار دارد) تا پیش از پیروزی انقلاب کبیر در روسیه، سراسر جهان را با چکمه های بخون آغشته خود لگد مال میکرد. امپریالیسم با آنکه در دوران ۶۰ ساله اخیر در قبال جنبش عظیم و جنبه نیرومند ضد امپریالیستی جهان، مواضع زیادی را از دست داده است، هنوز اساسی ارتجاع سیاه جهانی است.

امپریالیسم جهانی، یعنی انحصارهای نفتخوار، انحصارهای جهانی تولید کننده جنگ افزارها بانکهای غارتگر امپریالیستی، انحصار های جهانی و باصلاح مافوق ملی در همه رشته های صنعتی و کشاورزی و بازرگانی و ترابری و ...

این امپریالیسم جهانی، که نیرومندترین هسته آنرا امپریالیسم آمریکا تشکیل میدهد، برای برقراری تسلط جهانی خود، ابزار و جنگ افزار بسیار گوناگونی را در اختیار دارد و بر حسب شرایط سیاسی، زمانی جغرافیائی، ملی و غیره، این یا آن ابزار را بکار میاندازد. تجاوز آشکار بانیه های نظامی (مانند ویت نام)، توطئه های کودتایی (مانند ایران - در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - آندونزی، شیلی و دهها کشور دیگر آسیا و افریقا و آمریکای لاتین)، خریدن خائنین (مانند مصر و سودان) و تحریکات از راه استفاده از جریان های «سیاسی» و «مذهبی» و «ملی گرائی» خاص مانند فراماسونری، صهیونیست، بهائیکری، سازمانهای فاشیستی و سازمانهای نژاد پرست و دهها و دهها جریان سیاسی و مذهبی رنگارنگ دیگر - همه اینها ابزارهای گوناگون امپریالیسم جهانی هستند.

و در کشور ما ایران، از همان آغاز استیلای خاندان پهلوی، پایه های تسلط امپریالیسم جهانی گذاشته شد و، صرف نظر از دورانهای بسیار کوتاه تزلزل، هر روز این پایه ها مستحکم تر گردید. اگر این تسلط امپریالیستی در دوران پیش از جنگ دوم جهانی و سالهای اول پس از آن، با برخی رقابتها بین امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی و آلمانی همراه بود، پس از کودتای ۲۸ مرداد این تسلط امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بطور مشترک و جمعی مستقر شد و میهن ما به غارتگاه بی بندوباره امپریالیستها، که صهیونیسم یکی از اجزاء متشکله آنست، بدل گردید. غارت ثروت های عظیم نفتی میهن ما، تحمیل میلیاردها جنگ افزار زائد و بی فائده، وادار کردن دولت دست نشانده به خرج میلیاردها

ها دلار از ثروت ملی برای تدارکات نظامی استراتژیک آمریکا، صدور بی بندوبار کالا های مصرفی گران قیمت، صدور تاسیسات صنعتی چند برابر قیمت های بین المللی، تحمیل بی تناسب صنایع موتاز بجای صنایع مادر، تبدیل ایران، بموازاات اسرائیل، به دومین پایگاه تجاوز امپریالیستی برای سرکوب جنبش های ضد امپریالیستی در منطقه خلیج فارس و خاور نزدیک و میانه، تبدیل ایران به بزرگترین پایگاه جاسوسی و تدارکی تجاوز علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای ضد امپریالیست در منطقه، تحمیل دهها و دهها هزار کارشناس «نظامی» و «فنی» و «اقتصادی» و غیره، نابود کردن کشاورزی ایران و وابسته کردن تمام زندگی روزمره میهن ما به اقتصاد امپریالیستی - اینها همه و همه طبق نقشه مشترک و هماهنگ همه امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم آمریکائی بوده است.

انقلاب ایران به منافع حیاتی اقتصادی و استراتژیک نظامی همه این امپریالیستها و طبقه حاکمه وابسته به آنان، ضربه سهمگین و دردناکی وارد ساخت و ما شاهد آن هستیم که زوزه این گرگهای درنده زخم خورده علیه دستاوردهای انقلاب ایران در سراسر جهان پلنین انداخته است و تحریکات محافل ارتجاعی وابسته با امپریالیسم در ایران هر روز دامنه دار تر میگردد.

نیروهای امپریالیستی هنوز در کشور ما پایگاه های نیرومندی را در اختیار دارند. این پایگاه ها در دستگاه دولتی، در سازمان های مخفی و علنی ساواک، در اقتصاد کشور و در میان گروه های وابسته به طبقات حاکمه فراری و بلندگویان «روشن فکر» نمای شان است. از این پایگاهها است که جنبه متحد امپریالیستها و در پیشاپیش شان امپریالیستهای آمریکائی و صهیونیستها و محافل ارتجاعی ایران، که در آمریکا و اروپای غربی و اسرائیل لنگر انداخته اند، علیه انقلاب ایران توطئه می کنند.

هدف این نیروهای امپریالیستی اینست که، انقلاب ایران را با شکست روبرو سازند و به این یا آن شکل، اوضاع گذشته را، با نقاب و یابدون نقاب، بازگردانند. وسائل و شیوه هایی که دشمنان انقلاب در این توطئه خطرناک بکار میبرند، همان وسائل و شیوه های شناخته شده توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی در تاریخ طولانی مبارزات خلقها است، یعنی:

۱- جلوگیری از تثبیت اوضاع اقتصادی و ایجاد دشواریهای ساختگی تازه در این میدان، جلوگیری از بکار افتادن کارخانه ها، کارگاهها، دامن زدن به هر چه مرجع اقتصادی، یا لاپردن قیمت های خواربار و وسائل مصرفی مورد احتیاج مردم.

۲- جلوگیری از تثبیت اوضاع اجتماعی و دامن زدن به هر چه مرجع، مشغول کردن مردم به مبارزات خانگی، منحرف کردن مردم از مبارزه علیه دشمن اصلی.

۳- ترویج ناامنی، ترور، کشتار، دزدی، غارتگری، پخش مواد مخدر، قاچاق.

۴- بجان هم انداختن احزاب، سازمانها و گروه های سیاسی و ایجاد تفرقه.

در این میدان، مفسده جوینان، که متأسفانه بر اثر غفلت نیرو های انقلابی، در بسیاری از نقاط رخنه کرده و سنکرها حساسی را در دست گرفته اند، نقش تخریبی خطرناکی را ایفا میکنند. اینان گاه مانند پالیزبان ها علنا به سازماندهی نیروهای سیاه آدمکش میپردازند و گاه با ماسک «روحانی» (مانند حامی ها، که از همکاران ساواک بوده و ماهرانه خود را در میان هواداران نزدیک امام خمینی جاداده بودند) بدین منظور که مناسبات برادرانه آنها را با روحانیون میهن پرست و انقلابی تیره سازند، نیروهای میهن پرست چه را مورد حمله قرار میدهند، گاه با ماسک «روشن فکر ماوراء انقلابی» و «هواداران انقلاب کارگری»، جنبه امپریالیسم و ارتجاع را به فراموشی سپرده، ناچوانمردانه حزب توده ایران را بیداد تحت اقترا میکنند و گاه بصورت «هواداران آزادی»، نیروهای انقلابی روحانی و مذهبی را هدف عمده و اساسی مبارزات «انقلابی» خود قرار میدهند.

بهبودجه زیاده روی نیست اگر ادعا کنیم که بازماندگان رژیم سرنگون شده و کارگزاران سیای آمریکا و انگلیس سرویس و انگلیس و موساد اسرائیل و صهیونیستهای سوگند خورده و سایر سازمانهای تبهکار، در همه این لباسها مشغول خرابکاری علیه انقلاب ایران هستند.

موضعگیری نسبت به این جنبه متحد دشمنان انقلاب ایران و برخورد با شیوه هایی که بکار میبرند، در جهت گیری کللی، برای

را فراموش کرده‌اند و مردم را به جزئیات و یابوسی سرابها متوجه میسازند.

## ۲- مسائل اقتصادی

بدون تردید سرنوشت انقلاب ایران، در درجه اول و بطور تعیین کننده، وابسته به حل دشواریهای اقتصادیست که اکنون مبین مایا آن روبرو و دست یگریبان است. حل درست، یعنی حل ملی و خلقی این دشواریها، پیروزی انقلاب را تثبیت میکند و دستاوردهای آنرا در جهت تأمین منافع اکثریت دهها میلیونی مردم زحمتکش گسترش میبخشد و برعکس، کوشش برای حل این دشواریها در چهارچوب منافع سرمایه‌داری بزرگ و وابسته، انقلاب را عقیم کرده سرانجام با ناکامی روبرو خواهد ساخت.

اساسی‌ترین راهها برای گشودن گره‌های آن کلاف سردرگمی که بر اثر مختل شدن نظام اقتصادی وابسته در کشور مایه پدید آمده است، عبارتند از:

الف - براه انداختن چرخ اقتصاد فلج شده، و در ارتباط مستقیم با آن، حل مسئله دردناک بیکاری.

ب- تبدیل ریشه‌های اقتصاد وابسته یا امپریالیسم به اقتصاد مستقل ملی.

پ- تبدیل اقتصاد مبتنی بر غارت بی‌بندوبار ثروت ملی و محصول کار زحمتکشان به اقتصاد متکی به منافع خلق.

در ارتباط با این مسائل عمده اقتصادی، ما به چهار پررورد که نماینده چهارگرایش سیاسی مشخص جامعه ماست، روبرو هستیم:

۱- ضد انقلاب، در درون کشور، از یکسو یا دستهای زیاد و نیرومندی که در سازمان دولتی و در محافل بالای اقتصادی دارد، در هر گونه راه حل منطقی کارشکنی می‌کند و کوششهای عناصر انقلابی و دلسوز رافلیج مینماید، و از سوی دیگر با کمک عوامل بی‌شمار ساواک و وابستگان آن، که در همه گروهبی سیاسی چپ و راست و حتی در ارگانهای اجرائی انقلابی، رخنه کرده و ریشه دوانده‌اند، میکوشد با دادن شعارهای تند از راست و «چپ»، در همه جا محیط را متشنج سازد و کامیابی هر گونه تلاش عقلائی را، حتی برای پیدا کردن راه‌حلهای موقت و محدود، غیرممکن گرداند.

محافل امپریالیستی غارتگر میکوشند، با استفاده از وابستگی همه‌جانبه اقتصاد ایران به اقتصاد کشورهای امپریالیستی، از راه وارد آوردن فشارهای اقتصادی، از مشکلات موجود یه سود خود جدا کنند بهره‌برداری کنند. در این زمینه عدم قاطعیت انقلابی و بی‌نقشه بودن دولت موقت، برای آنها کمک بزرگی است. عمل این محافل صد درصد با عمل ضد انقلاب در ایران هماهنگ و دارای هدف مشترک است. هدف این محافل امپریالیستی، دست بردن با ضد انقلاب در ایران، اینست که روند بازسازی اقتصادی مبین ما رافلیج سازند و از این راه نارضائی مردم را دامن زنند و آتش هرج و مرج و طغیان را برافروزند و با آن، شرایط را برای بقدرت رسیدن رژیم وابسته‌ای، از نوع قدیم و یا از نوع جدید آماده سازند.

۲- محافل سازشکار وابسته به سرمایه‌داری بزرگ ایران می‌کوشند مشکلات اقتصادی را در چهارچوب تأمین و تثبیت منافع خود حل کنند. راه حل پیشنهادی آنان، در درجه اول برای براه انداختن چرخ فلج شده اقتصادی و حل مسئله بیکاری، پوست کنده اینست که: دولت همه امکانات مالی خود را در اختیار مفاطمه کاران و سرمایه‌داران بزرگ بگذارد و با استفاده از روشهای سختگیرانه علیه زحمتکشان و محدود ساختن خواستههای بحقشان، همه راهها را برای برآمدن «چرخهای اقتصادی» (۱)، یعنی برای براه انداختن چرخهای غارت بی‌بندوبار، مانند گذشته، هموار سازد. این سمتگیری در اظهارات آقای نژی، رئیس شرکت ملی نفت ایران، در کنگره حقوق دانان، با روشنی بازتاب یافت.

پیش‌بینی پیامد این راه پیشنهادی محافل سرمایه‌داری بزرگ ایران دشوار نیست. دولت با شرایط بسیار مناسب اعتبارات وسیعی را، که از درآمد نفت بدست می‌آید، به مفاطمه کاران و سرمایه‌داران وابسته و صاحبان تاسیسات بزرگ کشاورزی واگذار میکند. اکثر این گروه‌ها، همانطور که در گذشته عمل کرده‌اند، بخش عمده این اعتبارات را از راههای گوناگون به بانکهای خارجی منتقل خواهند ساخت و پس از چندی، دوباره با کسبه‌های خالی، در مقابل خزانه دولت صف خواهند کشید و یا تهدید به خواباندن چرخهای اقتصادی، خواستار وامها و اعتبارات جدیدتر خواهند شد.

درست است که دولت آقای بازرگان، تاکنون به‌بانه موقتی بودن خود، هیچگونه نقشه همه‌جانبه‌ای برای بازسازی اقتصادی، برای تبدیل اقتصاد وابسته به اقتصاد ملی، برای تبدیل اقتصاد غارتگرانه به اقتصادی خلقی ارائه نکرده است. ولی آنچه که از تصمیمات و اظهار نظرهای اخیر رئیس دولت میتوان استنباط کرد، سیاست دولت فعلی تنها متوجه گره اول است و راهی نیز که دولت برای گشودن این گره برگزیده، همان راه بی‌سرانجام محافل راست سرمایه‌داری ایران است.

بنظر ما، پافشاری دولت در ادامه این سمت‌گیری، گره مشکلات را باز نخواهد کرد و برعکس آنرا پیچیده‌تر و دشوارتر خواهد نمود.

امپریالیسم امریکا، و صهیونیسم و ارتجاع ایران با مبارزه علیه «کمونیسم» از یک سو و جانشین ساختن مبارزه علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع با مبارزه علیه «آخوندیسم» از سوی دیگر، موجب تفرقه نیروهاست و بطور عینی آبی است که به آسیاب دشمن اصلی انقلاب، یعنی امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع سیاه ایران ریخته میشود.

حزب توده ایران بر آنست که در هیچ صورت، هیچ عاملی، هیچ تحریکی، هیچ فشاری نباید نیروهای انقلابی را از مواضع اصولی خود در مبارزه علیه دشمنان اصلی انقلاب ایران روگردان سازد.

نیروهای انقلابی باید تمام کوشش خود را متوجه آن سازند که برای دشواریهای اجتماعی عظیمی که بر سر راه تثبیت و تعمیق دستاوردهای انقلاب ایران قرار دارد و هر روز بوسیله دشمنان انقلاب قزاق داده میشود، راه‌حلهای اصلی و علمی و درست پیدا کنند. در ارتباط با این وظیفه اصلی انقلاب کشورمان در لحظه کنونی، حزب توده ایران نظر خود را در زمینه پنج بخش عمده زندگی اجتماعی کشور، یعنی مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و ملی بیان میدارد و از همه نیروها و احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای سیاسی میخواهد که نظر خود را در این زمینه با روشنی و صراحت در پیشگاه افکار مردم قرار دهند.

## ۱- مسائل سیاسی

عمده وظیفه نیروهای ملی و انقلابی در زمینه مسائل سیاسی در لحظه کنونی عبارت است از پاره کردن همه بندهای اسارت امپریالیستی، که بدست جنایتکار شاه خائن و دستیارانش بر مین ما تحمیل شده و تبدیل ایران به کشوری مستقل و غیرمتعهد. روشن است که این کار تنها با «اعلام» درست نمیشود و به اصلاح مردمی، با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمیگردد؛ باید قرارداد-هائی را که این اسارت ملی را «چهارمیخ» کرده‌اند، از هم برید و به تعهدات تحمیلی امپریالیستی خاتمه داد.

نیروهای راستین انقلابی خواستار آنند که این قراردادها بلافاصله علنی شوند و محتوی جنایت بار آنها با اطلاع مردم برسد، غیر قانونی بودن آنها رسماً اعلام گردد و برای احقاق حقوق مردم ایران، که بر پایه این قراردادها تحمیلی، از دست رفته‌اند، دولت ایران، با اتکاء به پشتیبانی نیرومند مردم ایران و نیروهای ضد امپریالیستی سراسر جهان، وارد میدان مبارزه گردد. بر خورد نیروهای سازشکار بکلی غیر از این است. شیوه عمده این نیروها پنهانکاری، بزرگ کردن اشکالات (۱) کار و در نتیجه بدرازا کشاندن تصمیمات است. همه مردم میدانند که اسارت باقرتین قراردادها تحمیلی به مردم ایران قرارداد خائفانه کنسرسیوم نفت و قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا، و به گفته سخنگویان دولت، نزدیک به هزار قرارداد اسارت‌بار دیگر وابسته به آنست. نیروهای مبین پرست ایران حق دارند نسبت به این روش پنهانکاری وحل و فصل مسائل در پشت پرده استتار ابراز سوءظن نمایند. مردم ایران در یک نبرد زندگی و مرگ علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده‌اش گام گذاشتند و دهها هزار کشته دادند، تا از راه انقلابی مسائل حیاتی سرنوشت خویش را حل کنند، نه اینکه پنهانکاری و عدم قاطعیت، فرصتهای تاریخی از دست برود و امکان داده شود که گره‌های خون آشام پوستهای بره بر تن کنند و با ماسک دوست به مردم ایران جا زده شوند.

درست است که در زمینه حل برخی مسائل سیاسی، تاکنون از طرف دولت یک رشته اقدامات مثبت انجام گرفته است، ولی در زمینه حل عمده‌ترین مسئله سیاسی، یعنی مناسبات با امپریالیسم آمریکا، دولت آقای مهندس بازرگان در مواضعی قرار گرفته، که نمیتواند مورد تأیید نیروهای انقلابی و ملی قرار گیرد.

آیا ضرورت قطعنامه سنای امپریالیستی و صهیونیستی ایالات متحده آمریکا صادر شود تا این نیروها یادشان بیفتد که باید مردم را علیه مداخلات امپریالیسم آمریکا و هم‌دستانش در امور داخلی ایران تجهیز کرد؟ آیا ما هر روز و هر لحظه شاهد این گونه دخالتهای بیش‌زمانه امپریالیسم آمریکا و سایر امپریالیستها نیستیم؟ برخی از مقامات دولتی جسته و گریخته میگویند که محافل اقتصادی غرب ما را تحت فشار غارتگرانه قرار داده‌اند، کشتی‌های بازرگانی ایران را توقیف میکنند و اعتبارات ما را محدود میسازند. چرا دولت موقت این فشارها را فاش نمیکند و از مردم انقلابی ایران برای مقابله با آن کمک نمیخواهد.

در این امر حیاتی موضعگیری نیروهای راست و چپ افراطی نیز شایان توجه است. انگار که برای این نیروها یک چنین امر مهمی در زندگی سیاسی مبین ما وجود ندارد و یا اگر وجود دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار نیست. آیا شایان توجه نیست که در تظاهرات گوناگون، چه بمناسبت ترور آیت‌اله مطهری و چه بمناسبت صدمین سال زادروز دکتر مصدق، از این مسئله مهم، که با سرنوشت انقلاب ایران پیوند دارد، یادی بعمل نیامد؟ آیا این برخورد، گویای این واقعیت نیست که این نیروها مطلب عمده

مقابله با مشکلات موجود بر سر راه تثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلاب و تعمیق آن، در جهت منافع و خواستههای توده‌های دهها میلیونی مردم زحمتکش شهر و روستا، دارای اهمیت تعیین کننده است.

ولی با کمال تأسف این موضعگیری و این برخورد یکسان نیست. بطور کلی ۳ برخورد زیرین در میدان سیاست در ایران دیده میشود:

### ۱- برخورد نیروهای راستین انقلابی

برای این نیروها، امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی انقلاب ایران است و باید همه نیروها در جهت برانداختن تسلط نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فکری این دشمن اصلی بکار انداخت. صهیونیسم یکی از مهم‌ترین ابزارهای تسلط و توطئه‌های امپریالیستی و مسلمان‌فانترین دشمن انقلاب ایران در منطقه است و باید با تمام نیرو در راه درهم شکستن این سنگر عمده دشمن در منطقه تلاش کرد.

این برخورد، که بطور روشن و پیگیر در ارزیابیهای امام خمینی بازتاب یافته و می‌یابد، مورد تأیید کامل حزب توده ایران است.

۲- برخورد نیروهای راست وابسته به سرمایه‌داری لیبرال ایران این نیروها معتقدند که امپریالیستهای امریکائی و هم‌دستان اروپائیشان دیگر خطری برای ایران نیستند. خطر برای انقلاب ایران، در درجه اول، از طرف نیروهای خلق است که خواستار امتیازات «زیادی» (!) هستند. باید اقتصاد ایران را بر پایه توسعه همکاری با کشورهای غرب، بر پایه تقویت همان قشر سرمایه‌داران وابسته بازسازی کرد. زحمتکشان در انقلاب چیزی از دست ندهاند. ضرر عمده متوجه سرمایه‌داران و تجار شده است. این نیروها هر گونه تحریک و ناامنی و خرابکاری و توطئه را، بدون هیچ پروا و به نیروهای انقلابی خلقی و توده‌ای نسبت میدهند.

این موضعگیری خطرناک، که عملاً در سیاست دولت موقت بازتاب یافته است، تا آنجا می‌رود که در اظهارات بسیاری از مقامات رسمی، بزرگم و بسیار کم‌یاب از تحریکات عمال امپریالیسم و بویژه امپریالیسم امریکا و سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم و حتی عمال ساواک میتوان ذکری یافت.

### ۳- برخورد نیروهای افراطی راست و چپ

این نیروها در عین اینکه امپریالیسم و کارگزارانش را در ایران دشمن اصلی می‌شمارند، ولی در عمل جهت‌گیری عمده‌ها از دست داده‌اند و عمده تلاش خود را یا در جهت نادرست و یاد جبهات فرعی بکار می‌برند. از یک طرف ما با قشریهای مذهبی روبرو هستیم که میکوشند تسلط انحصاری خود را بر همه زمینه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کشور برقرار سازند، و چون در این راه با مقاومت نیروهای برخورد میکنند که با انحصارطلبی مخالفت دارند، به شیوه‌های تهمت و افترا متوسل میشوند.

نمونه بارز این شیوه برخورد در مراسم دفن و یادبود آیت‌الله مطهری بطور چشمگیری دیده شد. همه میدانیم که امام خمینی بارها در اظهار نظرهای روشن خویش تأیید کرده‌اند که توطئه قتل آیت‌الله مطهری و سر لشکر قری، بدون تردید عمل امپریالیستهای امریکائی، صهیونیستها و ساواکیها بوده است. ولی ملیرغم این سمت‌دهی روشن امام خمینی، نیروهای افراطی راست قشری، دشمن اصلی، یعنی امریکا و اسرائیل را، بکلی در سایه فراموشی گذاشتند. و توده‌های وسیعی را، که بر اثر از دست دادن یکی از رهبران خود بحق برافروخته بودند، علیه نیروهای چپ (یعنی یک دشمن اختراعی، که کوچکترین ارتباطی با این جنایت و اینگونه جنایتها نمیتواند داشته باشند) منحرف ساختند. ولی زندگی واقعی نیرومندان هر اتمی است. تحریف واقعیت، هر قدر هم که مردم فریب یابند، بالاخره فاش میشود. ما شاهد آن هستیم که مردم مبین پرست کشور ما، دشمن واقعی آزادی و استقلال خود را، از میان گردوغبار تاریکی آور منحرف کنندگان، به درستی میشناسند. نظیر این برخورد هم از سوی دیگر نیروهای افراطی، یعنی از سمت چپ کاملاً مشهود است.

در بسیاری از موضعگیریهای سیاسی و اجتماعی نیروهای جوان انقلابی، زیر پرچم چریکهای فدائی خلق و همچنین در عمل سیاسی روشنفکران مبین پرستی که زیر پرچم عمومی «مبارزه در راه آزادی‌های دموکراتیک» در آمده‌اند، چنین برخورد نادرستی مشهود است. در اینگونه برخوردها، «عمده» جای خود را به مسائل «فرعی» واگذار میکند و پی آمدهائی بی‌ارمی آورد که درست در جهت عکس خواست عمده روز جنبش انقلابی ماست، یعنی نه در جهت گردآوری همه نیروها علیه دشمن اصلی، بلکه در جهت تفرقه افکنی و بیجان هم اندازی این نیروها.

سخن کوتاه، بنظر ما موضعگیری نادرست و در مواردی نارسای نیروهای افراطی راست و چپ در مسئله مرکزی، یعنی شناخت دشمنان اصلی انقلاب و برگزیدن سمت‌گیری عمده مبارزه روز برای منقرض ساختن و خنثی کردن دسیسه‌های دشمن اصلی، بزیان جدی جنبش انقلابی است و ناخواسته موجبات تفرقه و پراکندگی را در صفوف مبارزان خلق فراهم میسازد و به کامیابی دسیسه‌های دشمن اصلی کمک می‌سازد.

جانشین ساختن مبارزه علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی



ضد امپریالیستی بسکار برده اند و، هر روز با نمونه تازه از این تحریکات مواجه می‌شویم.

با کمال تأسف باید گفت که عمل گروههای افراطی راست و چپ هم، در مبارزه علیه آزادیهای فردی واجتماعی، کمتر از عمل ضد انقلاب زیانبخش نیست. آنها آزادی رادرجهارچوب آزادی مطلق برای خود و محدود کردن آزادی برای مخالفان و یارقیبان سیاسی خود میپندیرند و برای تحمیل این «آزادی» از توسل به شیوه های نادرست و حتی مخالف و مغایر آزادی خودداری نمیکنند.

از بسیاری از شهرها و روستاها و حتی نقاط مختلف تهران خبر میرسد که گروههای بی‌مسئولیت، فعالیت آزاد احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی و فرهنگی را مورد تهاجم قرار میدهند، کلوبهای سازمانهای مخالف خود را بنام دفاع از جریانان «قشری» و «سیران» میسازند، کیوسکها و کتافروشیهایی را که روزنامهها و نشریات سازمانها و گروههای سیاسی چپ را بفرشند، آتش میزنند، کتابسوزان راه می‌اندازند، چاپخانه‌ها را تهدید میکنند و زیر نام «حزب‌الله» به تظاهرات میهن پرستانه و ضد امپریالیستی با چوب و چماق حمله میکنند. از جمله در خرم‌آباد بدانشگاه حمله کرده و کتابخانه دانشگاه را نابود ساخته‌اند.

حزب توده ایران، ضمن اینکه نمیخواهد به این پدیده‌های ارتجاعی، که بدون شك سرنخ‌آخری آن بدست عمال امپریالیسم و ساواک است، پیش از آنچه که هست، بهادد، یادآور میشود که اگر این عملیات خرابکارانه از طرف مراجع رهبری انقلاب بطور جدی محکوم نگردد و از طرف مقامات دولتی و سایر مراجع حفظ نظم و امنیت اجتماعی بطور جدی و پیگیر جلوگیری نشود، پدیده‌های هرچ و مرج، که دشمن آزادی واقعی است، هر روز بیشتر بروز خواهند کرد.

بنظر حزب توده ایران، خنثی کردن دسیسه‌های ضد انقلاب علیه آزادی، تنها از راه اتحاد و مبارزه مشترک همه هواداران راستین آزادی واقعی و مشخص - نه آزادی انتزاعی - یعنی آزادی بیان، قلم، احزاب، سندیکاها، اجتماعات و غیره در راه تثبیت و گسترش و پیشبرد دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلقی ممکن است.

بنظر ما هر گونه کوشش برای محدود کردن این آزادی، همانقدر محکوم است که هر گونه کوشش برای سوءاستفاده از آزادی برای ایجاد تفرقه، گمراه کردن و منحرف ساختن افکار عمومی و توجه مردم از مسائل عمده انقلاب اجتماعی در ارتباط با این تجاوزات به آزادی و برخی پیش آمدهای دیگر، در هفته‌های اخیر در محافل سیاسی روشنفکران ایران سر و صدای پر دامنه‌ای درباره «خطر فاشیسم» مذهبی بلند گردید و همه مسائل عمده اجتماعی ایران را تحت الشعاع خود قرارداد. در این باره ما با صراحت اعلام میداریم که با وجودیکه حرکات مشخصی، از طرف برخی گروههای انحصار طلب و راست گرای قشری برای محدود کردن آزادی در این گوشه و آن گوشه دیده می‌شود. در لحظه کنونی خطر عمده علیه آزادی در ایران از این سمت نیست، بلکه بطور عمده از سوی ضد انقلاب است که می‌کوشد، با فلج کردن روند بازسازی جامعه، شرایط را برای بازگشت خود بقدرت آماده سازد. باید این توطئه‌ها را در همه چهره‌های شناخت و باشکست روبرو ساخت. ضد انقلاب می‌کوشد ناراضی حاصله از اینگونه زیاده‌رویها را (که بدون تردید بخشی از آنها را خود تدارک می‌بیند و ماهرانه بروی صحنه میآورد) علیه رهبری سیاسی امام خمینی، که با قاطعیت و پیگیری در مواضع پیشین خود در جهت ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و رژیم شاه مخلوع و در جهت بهبود شرایط زندگی زحمتکشان شهر و روستا ایستاده است، متوجه سازد. امپریالیسم در گسترش اینگونه دامها بر سر راه مبارزان جوان و کم تجربه استادیست کهنه کار.

شرط اساسی برای تحکیم و تثبیت آزادیهای دمکراتیک، تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، یعنی نظام جدید ملی، دمکراتیک و خلقی است. همه نیروهای ضد امپریالیست باید هم خود را بر این بگمارند که این قانون هرچه زودتر تهیه و به بررسی همگانی گذاشته شود، با نظریات اصلاحی مردم تکمیل گردد و به تصویب مجلس مؤسسان برسد. تنها همکاری همه نیروهای ملی و آزادیخواه متکی به منافع خلق میتواند این قانون اساسی را بصورت يك سند تضمین کننده تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب ملی، دمکراتیک و خلقی خلق ما بی‌ریزی نماید.

حزب توده ایران یکبار دیگر پیشنهاد خود را در مورد ضرورت فوری يك گرد همائی همه نیروهای آزادی‌دوست، ضد امپریالیستی و خلقی، بمنظور اتخاذ يك روش هماهنگ در این زمینه مطرح میسازد و امیدوارست که روشن بینی سیاسی بر پیشداوریها و اختلاف نظرهای عقیدتی غلبه نماید.

در این زمینه، بازم با روشنی اعلام میداریم که آنچه برای حزب توده ایران دارای اهمیت تعیین کننده است، محتوی واقعی هر پدیده، هر نظام اجتماعی است، نه پوسته خارجی و نامگذاری آن. اگر محتوی يك نظام اجتماعی از منافع ملی ما علیه امپریالیسم و از منافع توده‌های زحمتکش و رنجبر کشور علیه غارتگران دفاع کند، و آزادی همه مردم را صرف نظر از اعتقادات سیاسی و مذهبی و فکریشان تضمین نماید، کشور ما را به کشوری مستقل، و صلح

و عده‌های تو خالی و پوچ، بلکه با ارائه نقشه‌های روشن و قابل دفاع، قانع شوند که روند سیاست دولت در حل مشکلات اقتصادی، روندی است که بر پایه دفاع از منافع زحمتکشان در مقابل غارتگران استثمارگر استوار است، آماده خواهند بود که بازم مجرمیت‌ها را تحمل کنند و با تمام نیروی خود برای ساختن نظامی که خواستهای بحق آنها را بر آورده نماید، عملاً و بی‌دریغ همکاری کنند. این وظیفه احزاب و سازمانهای سیاسی پشتیبان انقلاب است که با همکاری وسیع در يك «جبهه متحد خلق» چنین نقشه همه جانبه‌ای را برای انجام دادن به بحران اقتصادی موجود و بیرون آمدن از آن، طرح ریزی کنند و برای پیاده کردن آن «متفقاً همه نیروهای خلق را تجهین نمایند.

با کمال تأسف باید یادآوری کرد که نیروهای افراطی چپ و راست، در عین اینکه به اهمیت حل مسائل اقتصادی، بعنوان مهمترین مشکل دوران تثبیت پیروزی انقلاب آگاهند، در عمل نه تنها برای پیداکردن و دفاع ییگیرانه از راه حل عقلانی کوششی نمی‌نمایند، بلکه برعکس، در جریان تلاش برای رسیدن به هدفهای محدود و تنگ نظرانه و انحصار طلبانه سیاسی، بازم «عمده» را با «فرعی» جا بجا میکنند.

بهترین گواه برای صحت این ادعای ما اینست که، هیچک از این دو نیرو تا کنون نه تنها هیچ نقشه مشخص و روشنی برای باز کردن گره‌های پیچیده اقتصاد فلج شده کشور پیشنهاد نکرده‌اند، بلکه هرگز آمادگی نشان نداده‌اند که در يك گفتگو و تبادل نظر برای بررسی پیشنهادهای مشخص حزب ما شرکت جویند. آنها تنها میکوشند که این موضوعگیری خود را پشت پرده‌ای از افترا و دشنام (آنهم متأسفانه اغلب در سطوحی بسیار پائین و ناشایست) پوشانند.

تصادفی نیست که برای این نیروها، از یک سو حادثه روزنامه «کیهان» و از سوی دیگر مسائلی پیرامون روزنامه «آیندگان»، به مسئله عمده سیاست روز تبدیل میشود، ولی حل مهمترین مسئله‌ای که جامعه ما با آن روبروست، اصلاً جسامتی را در تبلیغات و اقدامات سیاسی آنان اشغال نمیکند.

البته این «بی‌توجهی» و «فراموشی» از طرف گروههای راست و «چپ» سیاسی وابسته به سرمایه‌داری ایران قابل درک است، زیرا آنان، بدون اینکه بخواهند علناً به آن اعتراف کنند، راه حلی جز آنچه محافظ راست سرمایه‌داری سازشکار ایران پیشنهاد میکنند، ندارند. ولی آنچه قابل درک نیست، موضوعگیری آن نیروها نیست که خود را هوادار نابود کردن «استثمار فرد از فرد» معرفی میکنند. پرسش ما از این دوستان اینست که چه برنامه‌ای برای این منظور خود دارند؟ و چه رشته اقدامات ضرور و گام به گام را برای رسیدن به این هدف پیشنهاد میکنند؟

باز هم سخن کوتاه، بنظر حزب توده ایران، «مشکل اقتصادی»، مهمترین و بزرگترین مشکل جامعه کنونی پس از انقلاب اخیر میهن ماست. سر نوشت انقلاب ایران به سرانجام حل این مشکل بستگی کامل و همه جانبه دارد. نیروهای راستین انقلابی و ملی ایران باید توجه اساسی و عمده خود را به پیداکردن راه حل عقلانی و عملی این مشکل معطوف دارند.

### ۳ - مشکل اجتماعی

با انقلاب ایران نظام سلطنت استبدادی وابسته به امپریالیسم فروریخت و بی‌ریزی نظام جدید ملی وضد استبدادی در چارچوب جمهوری اسلامی در جریان است. همه نیروهای که در این انقلاب فعالانه شرکت داشتند، چه پیش از پیروزی انقلاب و چه پس از آن، بی‌یونند ناگستنی خود را با اصول آزادی، بعنوان پایه اساسی نظام جدید، اعلام داشته و میدارند. درست است که امروز مردم ایران از آزادی‌های بسیاری برخوردارند، ولی بهیچوجه نمیتوان نادیده گرفت که نیروهای تاریکی که این آزادیها را بشدت مورد تهدید قرار میدهند، با نقابهای گوناگون، آشکار و نهان، گرم فعالیتند. هم اکنون میتوان گفت که این آزادی هنوز تحکیم نیافته، از همه سو، یعنی از سوی ضد انقلاب، از سوی افراطیون راست و افراطیون چپ مورد تهدید جدی قرار گرفته است.

ضد انقلاب با بهره برداری از آزادی موجود، به وسیله‌ای دست می‌یازد تا ریشه نهال آزادی را خشک سازد. ضد انقلاب بدست عناصر خود همه جا میکوشد آزادی را، از یک طرف بصورت هرچ و مرج و از طرف دیگر بصورت عامل فلج کننده در آورد، و از این دوره مردم را از آزادی روگردان سازد.

شایان توجه اینست که عمال ضد انقلاب، این مبارزه علیه آزادی را، ماهرانه بنام دفاع از مذهب انجام میدهند، همانطوریکه توطئه‌های تروریستی خود را علیه رهبران مذهبی و سیاسی زیر پرده هواداری از مذهب اسلام انجام دادند.

مردم ایران از یاد نبرده‌اند که رژیم شاه - ساواک هم بخش عمده‌ای از سیاست ضد ملی، ضد دمکراتیک و ضد خلقی خود را زیر پوششی از مذهب نمائی و بدست گروهی روحانی نمای مزدور عملی میساخت.

مبارزان توده‌ای بارها شاهد آن بوده‌اند که گروه‌های مائوئیستی، زیر پوششی از جملات مارکسیستی، همان شعارها و شیوه‌های عمل ضد انقلاب را در ایجاد تحریک و تفرقه، در بهم زدن تظاهرات

۳ - نیروهای متکی به خلق خواستار آنند که گره پیچیده مشکلات اقتصادی، با سمت گیری دفاع از منافع ملی در برابر تجاوزات امپریالیستی و منافع توده‌های میلیونی زحمتکشان شهروند در برابر تجاوزات غارتگرانه طبقات حاکمه سرمایه‌دار و زمین‌دار بزرگ وابسته به رژیم سرنگون شده و امپریالیسم بازگردد.

برداشت ما از محتوی نظریات اقتصادی امام خمینی و هواداران ایشان، که از يك سمت گیری دفاع از خواست های بحق «مستضعفین» در برابر تجاوزات «مستکبرین» پیروی میکنند، در همین چهارچوب است. \*

اگر بخواهیم این چهارچوب را در زندگی اقتصادی روزمره پیاده کنیم، به نتایج مشخص زیرین، که یگانه راه گشایش گره‌های پیچیده مسائل اقتصادی و یگانه ضامن تثبیت پیروزی انقلاب است، خواهیم رسید.

الف - کلیه تأسیسات صنعتی، مالی، بازرگانی و ترابری متعلق به امپریالیست‌ها و به وابستگان رژیم سرنگون شده، یعنی سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ وابسته به انحصارهای امپریالیستی و رژیم سرنگون شده، را باید بی‌درنگ مصادره و ملی کرد و اداره این تأسیسات را به گروههای برگزیده شده از سوی کارگران و کارمندان و مهندسان و مدیران واگذار نمود و اعتبارات کافی در اختیار آنان گذاشت و کمکه‌های فنی و مادی لازم را به آنها رسانید.

ب - در مورد تأسیسات مونتاژ، که بر اه افتادن آنها بارسیدن مستقیم قطعات از کشورهای موجود، شرایط آغاز فوری کار باید با تجدید نظر در قراردادهای موجود، شرایط آغاز فوری کار را فراهم کرد و با تنظیم نقشه‌های دراز مدت، شرایط فنی و مادی ضرور برای تبدیل این تأسیسات را به تأسیسات خودکفا و بدون وابستگی به امپریالیسم آماده ساخت و در صورت لزوم تغییر کامل رشته تولیدی این تأسیسات را برنامه‌ریزی نمود و عملی کرد. باید کارگران و کارکنان فنی و اداری را، که برای نان روزمره خود علاقمند به بر اه افتادن چرخهای تولید هستند، در اداره این تأسیسات از راه سازمانهای صنفی کارگران و شوراهای انتخابی همه کارکنان شرکت داد و معهد ساخت و به آنان اعتماد کرد. اینست راه ملی و خلقی گشایش گره‌های پیچیده اقتصادی.

پ - در مورد صنایع و تأسیسات کشاورزی و کارگاههای ساختمانی متعلق به سرمایه‌داران ملی غیر وابسته، نظر حزب توده ایران اینست که دولت باید برای بر اه انداختن هر چه زودتر آنها، اعتبارات ضروری و کمکه‌های همه جانبه مبدول دارد، با این شرط که این اعتبارات و کمکه صرفاً برای بر اه انداختن تولید مصرف گردد، و برای تحقق این امر نیز يك کنترل دوجانبه، از جانب دولت و از جانب سازمان های صنفی کارگران و کارمندان این موسسات ضروری است. تدریجاً و بیرون آوردن اقتصاد کشاورزی از بحران کنونی، یگانه راه، ملی کردن تأسیسات بزرگ کشاورزی متعلق به سرمایه‌های امپریالیستی و وابستگان رژیم سرنگون شده و اداره آنها با کمک مدیریت مورد اعتماد سازمانهای صنفی کارگران و همکاری شوراهای انتخابی از طرف همه کارکنان، مصادره اراضی کشاورزی بزرگ متعلق به زمین‌داران بزرگ و تقسیم آن بین دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، کمک به ایجاد شرکتهای تعاونی تولید و مصرف برای این کشاورزان و رساندن کمکه‌های فنی و کود به آنان و ایجاد يك سیستم دولتی خرید عادلانه و جمع‌آوری سریع محصولات از واحدهای کوچک و متوسط تولید کشاورزی است. اینست بنظر ما آغاز بیرون رفت از بحران عمیقی که اقتصاد کشاورزی کشور را فرا گرفته است.

در این زمینه، نقش سازمانهای واقعی صنفی زحمتکشان شهر و روستا اهمیت تعیین کننده‌ای دارد و هر گونه تلاش برای فلج کردن و یا تجزیه این سازمانها و یا محدود ساختن تأثیر آنها در جریان بازسازی اقتصاد و نوسازی آن در جهت دفاع از منافع زحمتکشان، زیانهای جبران ناپذیر به روند تثبیت پیروزی انقلاب وارد میسازد و راه را برای دسیسه‌های خرابکارانه ضد انقلاب هموار میکند.

تنها از این راه است که میتوان، در مدت کوتاه، با اعتبارات کمتر، به بهترین کیفیت و بالاترین کمیت، چرخهای اقتصاد را بر اه انداخت، برای مشکل بیکاری راه حل عملی پیداکرد، شرایط را برای تبدیل ریشه‌های اقتصاد وابسته به امپریالیسم به اقتصاد مستقل ملی آماده نمود و به غارتگری بی‌بندوبار و نروتهای ملی و محصول کار زحمتکشان بوسیله سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌های وابسته انجام زد.

ث - نکته مهم دیگری که در زمینه مسائل اقتصادی مطرح است، موضوع تأمین زندگی مناسب‌تر برای زحمتکشان شهر و روستا است. تردیدی نمیتوان داشت که توده‌های میلیونی کارگران و سایر زحمتکشان، که فعلاً در انقلاب شرکت کردند و جان‌بازی نمودند، انتظار داشتند که نظام انقلابی به غارتهای امپریالیستی و رژیم سرمایه‌داری وابسته به آن پایان دهد و برای زحمتکشان شرایط روز بروز بهتر و مناسبتری را برای کار و برای برداشت از محصول کارشان فراهم نماید. درست است که با دشواریهای پیداشده بر اثر فروریزی نظام غارتگری، بر آوردن همه خواستهای زحمتکشان بلافاصله و حتی در زمان کوتاه ممکن نیست، ولی ما اطمینان داریم که زحمتکشان ایران، در صورتیکه، نه تنها با

دوست ، مبدل کند و آنرا درجرت کشورهای غیرمتعهد وارد سازد، در سیاست جهانی از مبارزات خلقهای محروم علیه امپریالیسم جهانخواار و متجاوز ، علیه رژیمهای فاشیستی و نژادپرست پشیمانی نماید ، يك چنین نظامی مورد پشتیبانی کامل ماست.

## ۴ - مشکلات در زمینه حقوق ملیتها

يكی از مشکلات انقلاب ایران مشکل ملی است ، که حل درست و عقلانی آن ، میتواند جامعه ما را يك گام بزرگ بجلو ببرد ، و جلوگیری از آن ، میتواند به ایجاد کانونهای تفرقه و نا امنی و دسیسههای استعماری میدان دهد .

استفاده از زبان مادری برای تکلم و آموزش ، استفاده از فرهنگ ملی برای زندگی هر روزه و استفاده از آزادی برای برگزیدن اداره کنندگان زندگی اجتماعی ، از حقوق اولیه هر خلق آزاد است .

حزب توده ایران ، از همان اولین روزهای موجودیت خود، دفاع از این حقوق را برای همه اقلیت های ملی، که در سرزمین ایران زندگی میکنند ، بدون تزلزل در برنامه سیاسی خود جا داده و همواره بطور پیکر از آن دفاع کرده و میکند .

حزب توده ایران احترام و شناسایی این حقوق ملی ، یعنی خودمختاری اداری و فرهنگی برای خلقهای غیر فارسی زبان ایران را، بهیچوجه مغایر با اصل دفاع از وحدت ملی ایران در چهار چوب خدشه ناپذیر تمامیت ارضی کشور نمیداند ، برعکس ، احترام به حقوق ملی را ، یکی از مهمترین پایه های تأمین وحدت واقعی داوطلبانه و ملی می شمارد .

درعین حال ما صریحاً اعلام می کنیم که هر قدر حل این مشکل بطول انجامد ، امکان بهره برداری زیان بخش و فساد انگیز از آن بدست دشمنان ملی ما ، یعنی عمال سرسپرده امپریالیسم و صهیونیسم و وابستگان رژیم سرنگون شده ، بیشتر و بیشتر خواهد شد . امپریالیسم و ارتجاع میکوشند مشکل ملی را ، بعنوان یکی از جنگ افزارهای زهر آلود خود علیه نظام ضد امپریالیستی ، دمکراتیک و خلقی بکار اندازند ، تنها حل عقلانی و منطقی مسئله ملی است که میتواند زمینه را برای تحریکات عوامل دشمن نامساعد سازد و اتحاد همه خلقهای سرزمین ایران را در روند بازسازی و نوسازی کشور تأمین نماید .

با کمال تأسف باید بپذیریم که هم اکنون ، در نتیجه تعلل و ناپیکری دولت موقت در حل این مسئله مبرم ، در کردستان ، خوزستان ، بلوچستان و در میان خلق ترکمن و همچنین در میان دیگر گروه های ملی در ایران ، بدست عوامل سرشناس امپریالیسم و رژیم سابق تحریکات پر دامنه ای سازمان یافته و یا در حال سازمان یافتن است ، ضد انقلاب در این زمینه با تمام نیرو مشغول تلاش است و این میدان را یکی از مساعدترین میدانها برای فعالیت مخرب خود میدانند .

حزب توده ایران آنقدر برای گشودن هر چه سریعتر این گره اهمیت قائل است که پیشنهاد می کند ، بی درنگ وزارتخانه ویژه ای برای حل مسئله ملی تاسیس گردد . تاریخ سراسر جهان نشان داده است که حل این دشواری ، جز از راه تفاهم نیروهای مترقی و خلقی از هیچ راه دیگری میسر نیست . با استفاده از نسخه های کهنه و پوسیده اعمال قهر و دادن رشوه سیاسی به «معتقدین» و «طبقات حاکمه» می توان داری مسکن برای زمان کوتاهی تهیه کرد ، ولی درمان درد از این راه مطلقاً میسر نیست .

درعین حال ، حزب توده ایران توجه نیروهای ملی و انقلابی را ، که هوادار راستین حل مسئله ملی در چهارچوب انقلاب ضد امپریالیستی ، دمکراتیک و خلقی ایران هستند ، باین واقعیت جلب می کند که در لحظه کنونی ، جهت عمده مبارزه همه نیروهای انقلابی ایران ، علیه امپریالیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده پهلوی است و حلقه اساسی این نبرد ، بازسازی اقتصادی و تأمین آزادی و امنیت اجتماعی است . باید با تمام قوا از آن پرهیز کرد که در این مبارزه حیاتی ، مسائل مربوط به تأمین حقوق ملی ، که با وجود اهمیتشان ، در تناسب با مسئله عمده انقلاب در مرحله کنونی ، جنبه فرعی دارد ، به مسئله عمده مبدل شود و در جهت متحد همه نیروهای ضد امپریالیستی ، دمکراتیک و خلقی ایران شکاف بوجود بیاورند و در بدترین حالت ، نیروهایی را که باید متحداً برای تثبیت و تعمیق عمده ترین دستاوردهای انقلاب در صف واحدی مبارزه نمایند ، بجان هم اندازند .

## ۵ - امنیت ملی و امنیت اجتماعی

همه نیروهای فعال اجتماعی کشور ، در این ارزیابی هم زبان هستند که امر امنیت اجتماعی و امنیت ملی یکی از گره های مردم و پیچیده است که در برابر همه مردم قرار گرفته است ، در این ارزیابی نیز اکثر هم زبانند که دولت موقت هنوز سر نخ این کلاف سردرگم را پیدا نکرده است و باسنت گیری سیاسی و اجتماعی که پیش گرفته ، مسلماً سر نخ را پیدا نخواهد کرد .

همه میدانیم که ضمن اینکه در کشور آزادی وجود دارد ، امنیت اجتماعی برای بهره گیری از این آزادی بسیار محدود است . عوامل سرسپرده ضد انقلاب از راه ترور و آدم کشی ، از راه تجهیز خود فروختگان و ساده باوران ، زیر ماسک های ماوراءچپ ما ئوئیستی و یا ماوراء راست قشری ، برای حمله به تظاهرات میهن پرستانه و ضد امپریالیستی ، به مراکز فعالیت نیروهای راستین انقلاب ، آتش زدن کتابفروشی ها ، وغیره وغیره امنیت اجتماعی را مختل میسازند . گروههایی زیر ماسکهای گوناگون با اعمال قهر امنیت فعالیت سیاسی و مطبوعاتی را از مخالفان خود سلب میکنند . ما شاهد آن هستیم که این گونه عملیات تحریک آمیز روز بروز وسعت بیشتری پیدا می کند . ضرورت اقدامات جدی برای تأمین امنیت اجتماعی هر روز بیشتر احساس می شود .

واقعیت اینست که نظام جنایت پیشه استبداد سلطنتی درم فروریخت و نظام نوین ضد امپریالیستی ، دمکراتیک و خلقی در دست بی ریزی است ، این پرسش برای همه مطرح است که ، آیا میشود بروی همان پایه پوسیده ، که تار و پودش به امپریالیسم و استبداد سیاه وابسته است ، يك نظام انسانی و خلقی را برپا ساخت ؟

تمام مردم مبارز ایران به این پرسش پاسخ منفی میدهند ، تجربه همه انقلابهای جهان ، واز آن جمله تحولات اجتماعی کشور خودمان ، این موضع گیری مردم را تأیید می کنند . مسلماً آن نیروها و شخصیت های سیاسی که سمگیری خود را برای حل این مشکلات برپایه بازسازی نیروهای انتظامی کشور ، بر مبنای همان کادر دوران رژیم سرنگون شده مشخص کرده اند ، نمی توانند فراموش کرده باشند که در دوران مبارزه برای ملی کردن نفت هم ، دکتر مصدق همین سیاست را در پیش گرفت و تصور میکرد که تنها با واگذاری چند پست فرماندهی در ارتش و پلیس و ژاندارمری وابسته به امپریالیسم و سلطنت استبدادی ، به افراد میهن پرست و آزادی دوست و مورد اعتماد ، این سازمانها بعکس خود ، یعنی نیروهای خادم مردم بدل خواهند شد .

ما دیدیم که در آن زمان ، با اینکه همین تیمسار سر لشکر ریاحی رئیس ستاد بود ، با اینکه سرتیپ امینی سرتیپ دفتری ، که از معتمدین دکتر مصدق بودند ، ریاست کل شهر بانی و ژاندارمری کشور را در دست داشتند ، با اینکه سرهنگ ممتاز فرمانده تیب زرهی مرکز بود و از خانه دکتر مصدق نگهداری میکرد ، با اینکه سایر دوستان و همراهان سیاسی این افسران ، یعنی افسران وابسته به جبهه ملی ، تقریباً تمام پستهای فرماندهی واحد های عمده ارتش و پلیس و ژاندارمری را در دست داشتند ، با توجه به اینکه در آن زمان هنوز سازمان مخوف ساواک و شاخه های سازمانهای مخفی سیا ای آمریکا و موساد اسرائیل با اندازه امرور زریشه ندوانده و مشکوک و مجهز نبودند ، چه پیش آمد و چگونه ارتش و سایر نیروهای انتظامی آلت اجرای کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد گردیدند و کودتاچیان ، زیر نظر فرماندهان متعهد ، دسیسه جهنمی و خائنه خود را سازمان دادند و دولت ملی دکتر مصدق را سرنگون ساختند .

در آن روزها ، حتی تا ساعت ۱۲ صبح ۲۸ مرداد ، علیرغم همه بیدارباشهای مکرر و مؤکد حزب ما در مورد خطر بلافاصله کودتا ، دوستان و همراهان دکتر مصدق در نیروهای انتظامی به او «اطمینان» دادند (ما تردید نداریم که مسلماً خودشان هم باور داشتند) که از ناحیه ارتش ، پلیس و ژاندارمری خطری وجود ندارد . و این همان اطمینانی است که به آقای بازرگان داده میشود و آقای بازرگان هم به مردم میدهد .

این تجربه تاریخی ۲۸ مرداد ، که اینقدر گران تمام شد ، بمردم میهن پرست و آزاد دوست ایران بیدارباش میدهد که به اینگونه وعده ها (با اینکه در صداقت وعده دهندگان تردید نمیکنیم) اعتماد ننمایند و به پیشنهاد های آنان درباره نوسازی نیرو های انتظامی ، بر پایه همان بی های پوسیده گذشته ، با عدم اطمینان نگاه کنند . این تفاوت را هم باید در نظر گرفت که در پی پیروزی انقلاب ، برخلاف دوران دکتر مصدق ، عناصر وابسته به امپریالیسم و رژیم سیاه شاه مخلوع ، بسیاری از امتیازات گذشته خود و بیش از همه «آقایی و سروری» خود را از دست داده اند و مورد بغض و نفرت میلیونها مردمی هستند که دهها هزار نفر از جوانان نشان بدست این سرسپردگان بخاک و خون غلطیده اند .

از سوی دیگر کسانی که بسیاری از امتیازات گذشته خود و بیش از همه «آقایی و سروری» خود را از دست داده اند ، نسبت به نظام انقلابی نوین کینه تسکین ناپذیری دارند و آنرا پنهان هم نمیکنند . همه اینها باید افزوده که بخش مهمی از نیروهای سیاه دست نخورده رژیم سرنگون شده ، با همه امکانات گذشته خود باقی مانده اند . همه میدانند که هزاران مأمور جنایتکار ساواک با اسلحه ، وسائل ارتباطی ، رادیو و اتومبیل های ضد گلوله خود در سراسر ایران پراکنده اند ، بوسیله مأموران مخفی سیا ای آمریکا ، سازمان داده میشوند و هم اکنون تمام خرابکاریها را اداره می کنند و خود را برای خرابکاری های وسیع تری آماده میسازند .

همه میدانند که گروههایی از افسران وابسته به رژیم در ارتش ، پلیس و ژاندارمری ، هم اکنون سازمانهای پنهانی بوجود آورده اند و خود را برای «لحظه تاریخی» ، یعنی لحظه وارد آوردن ضربه ناگهانی به نظام انقلابی آماده میسازند . بر خورد با این

سرسپردگان رژیم شاه مخلوع ، و شاگردان مکتب سیا و موساد و ساواک نشان میدهد که آنها با چه کین و نفرتی از انقلاب ایران و از رهبران اسلامی و نیروهای انقلابی چپ یاد میکنند و چه نقشه های جهنمی در سر میپروراندند .

دولت آقای مهندس بازرگان میخواهد با همین نیروها ، همین سرهنگان و سرگردان «شاهزده» ، نیروهای انتظامی را باز سازی کند و آنها را به سر نوشت انقلاب ایران مسلط سازد . این اشتباه تاریخی بزرگی است که اگر بموقع ، و بطور قطع تصحیح نشود ، برای انقلاب ایران و حتی برای خود آنها نیکه این اشتباه را به مردم ایران تحمیل میکند ، بسیار گران تمام خواهد شد .

بر پایه این دور بینی و واقع بینی سیاسی است که همه نیرو های راستین انقلاب ایران ، صرف نظر از اعتقادات مسلکی و سیاسی خود ، یک زبان خواستار پاکسازی هر چه سریعتر نیروهای انتظامی و در درجه اول ارتش ، از هواداران رژیم سرنگون شده ، از شاگردان مکتب امپریالیسم آمریکاهستند . بدون این پاکسازی مواعنجدی در راه جنبش انقلابی بوجود خواهد آمد .

حزب توده ایران میدانند که در میان افسران و درجه داران نیروهای انتظامی رژیم شاه مخلوع ، عناصر میهن پرست و آزادیخواه کم نیستند . بعلاوه عده زیادی از این گونه افسران ، که از خدمت برکنار شده اند ، امروز آماده خدمت به انقلاب هستند . باید این عناصر میهن پرست و آزادیخواه را از سرسپردگان به رژیم سرنگون شده جدا کرد و از ترکیب عناصر میهن پرست و آزادیخواه با عناصر انقلابی ، که در جریان انقلاب جان بسرف علیه رژیم شاه مخلوع جنگیدند ، پایه های نیروهای انتظامی ملی و خلقی را پی ریزی کرد . این البته کاریست دشوار و پر مسئولیت و تنها در چهار چوب همکاری بی شائبه همه نیروهای انقلابی ، میتواند عملی گردد .

حزب توده ایران ، با سایر نیروهای انقلابی و میهن پرست ، که خواستار نگهداری و تقویت سپاه پاسداران انقلاب و ایجاد يك سازمان ملی و خلقی برای مبارزه با بقایای ساواک اند هم زبان است و عقیده دارد که برای ایجاد این سازمانها باید از همه نیروهای مبارز خلقی کمک گرفته شود .

يك چنین سازمانهای خلقی ، هنگامی میتواند از دستبرد عناصر دشمن در امان قرار گیرد ، که متکی به «جبهه متحد نیروهای انقلابی خلق» باشند و در درون آنها زمینه مساعدی برای افشاندن تخم نفاق و چند دستگی ، تخم نمایان انحصار طلبی و تسلط جوئی وجود نداشته باشد . میدان دادن به نفاق ، انحصار طلبی ، خصومت با آنها نیکه بنحو دیگری فکر میکنند ، همیشه زمینه را برای دسیسه کاری نفاق افکنان و عوامل دشمن فراهم میسازد .

این است نظر حزب توده ایران درباره عمده ترین مسائل و مشکلات جنبش انقلابی ایران در لحظه بسیار دشوار ، پیچیده و پر مسئولیت کنونی .

ما یکبار دیگر خلاصه میکنیم ،

۱ - دشمنان انقلاب ما ، یعنی امپریالیستها ، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ، با بکار انداختن همه ابزارهایشان یعنی (عوامل صهیونیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده) و طبقات و قشرهای زخم خورده حاکمه (یعنی سرمایه داران و زمینداران بزرگ وابسته به امپریالیسم) بدست گروههای مجهز خرابکار ساواک ، بدست گروهی از هواداران خود در فرماندهی نیروهای انتظامی ، بدست عوامل خود که در همه سازمانهای دولتی پایگاههای محکمی دارند و حتی در سازمانهای انقلابی رخنه کرده اند ، با تمام نیرو توطئه میکنند و میکوشند روند تثبیت ، باز سازی و نوسازی نظام نوین انقلابی را در همین ما ، فلج و مردم را ناراضی کنند و آنها را بدامهای رنگارنگ ضد انقلاب بکشانند .

۲ - در چنین شرایطی ، تنها از راه ایجاد همبستگی همگانی همه نیروهای انقلابی ، همه نیروهای ضد امپریالیست ، هوادار استقلال ، تمامیت ارضی ، آزادی و پیشرفت اجتماعی میتوان این دسیسه های ضد انقلاب را نقش بر آب کرد و راه را برای پیشروی و گسترش انقلاب تاریخی مردم ایران هموار ساخت .

۳ - حزب توده ایران عقیده دارد که يك چنین همبستگی همگانی نیروهای انقلابی ، در لحظه کنونی ، عملاً تنها در زیر رهبری امام خمینی امکان پذیر است ، که به پاس پیکری و قاطعیت تاریخی خود در تجهیز نیروهای خلق علیه امپریالیسم ، صهیونیسم و رژیم شاه مخلوع ، به پاس ایستادگی در جهت هدفهای اساسی انقلاب ایران ، از بالاترین اعتبار و نفوذ در میان مردم ایران برخوردارند .

۴ - حزب توده ایران همه گروه های راستین هواداران انقلاب ایران را فرا میخواند که با کنار گذاشتن همه پیشداوریها ، با دست کشیدن از انحصار طلبی و تسلط جوئی ، با کنار گذاشتن مسائل فرعی و غیر عمده ، تمام تلاش خود را برای بوجود آوردن يك چنین همبستگی همگانی نیروهای میهن پرست بکار اندازند .